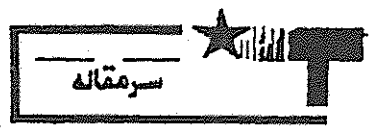


ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوره جدید سال چهارم شماره ۴۱ اردیبهشت ۱۳۶۵ بهاء ۵۰ ریال



## رژیم جمهوری اسلامی همچنان در بن بست جنک

جو شفرانگیز نظامی و نتایج شوم جنک بر سراسر ایران بنجسته افکنده است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی عجز و ناتوانی خود را در تعدیل بحران سیاسی - اقتصادی حاکم بر جامعه با میلیتاریزه کردن هر چه بیشتر جامعه در کلیه عرصه های آن به نمایش گذاشته است. ماشین بوروکراتیک - نظامی عریض و طویل دولتی به تعاضی به خدمت جنک درآمده است. توده های مردم زیر فشار رفتن به جبهه های جنک و یا کمک به راه انداختن ماشین جنک قرار گرفته اند، حتی زنان که به زعم حکومت ارتجاعی مذهبی جمهوری اسلامی جز کنج خانه ها، آشپزخانه ها و حرم سراها جایگاهی در جامعه نداشته و "وظیفه مقدس مادری" عالی ترین وظیفه آنها محسوب میشود، در صفحه ۲

## اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرامون ورشکستگی سیاسی و اعمال پلیسی - جاسوسی سازمان مجاهدین خلق در صفحه ۳

## پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

اشتقاقها و اتحادهای همگانی برای درهم آمیختن اقشار و طبقات مختلف برآمده اند. راه - کارگر وظیفه اسلاف خویش حزب شده و اکثریت را در کردستان انقلابی به در صفحه ۵	سرعت جایگاه واقعی خود را می یابند و تفکیک طبقاتی در جامعه را به نمایش میگذارند. در این میان منادیان سازش طبقاتی در هراس از سیاست مستقل کارگری بطور همه - جانبه ای در تلاش ایجاد	رشد و تعمیق مبارزه طبقاتی و تشدید تخاصمهای عینی جامعه تا ثیر مستقیم خود را در گروه بندیهای سیاسی بیشتر از هر زمان دیگری بر جای میگذارد. جریانات سیاسی در تلاطم مبارزه حاد طبقاتی به
--	---	---

### در صفحات دیگر:



### اخبار جنبش توده ای

دوره ۱۸

از تجارب کارگران و زحمتمکشان ویتنام در پیشبرد انقلاب بیاموزیم  
در صفحه ۹

حاکم مبارزه خونینی را بمنظور تحقق خواستهای انقلابی - دمکراتیک خود به پیش برده و در راستای این مبارزه، توان انقلابی خود را تا سرحد امکان به کار گرفته است. اهداف و آمالهای مشترک مبارزه زحمتمکشان سراسر ایران علیه نظام بوروکراتیک ارتجاعی حاکم بمثابه عامل اصلی هر نوع ستمگری، پیوند و ارتباط ارگانیک را بین مبارزات خلق کرد و جنبش انقلابی سراسری ایران ایجاد میکند. آنچه میتواند موجب پیوستگی مبارزات انقلابی - دمکراتیک خلق کرد و کارگران و زحمتمکشان سراسر ایران گردد اعمال اراده رهبری انقلابی واحدی است که در صورت تحقق، میتواند مبارزات انقلابی دمکراتیک خلقهای در صفحه ۶

## پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو چیست؟

خلق کرد همانند دیگر زحمتمکشان ایران در طول سالیان متمادی و در زیر فشار ستم و استثمار رژیمهای سرکوبگر

یاد اسماعیل شریفزاده  
و یارانانش  
در آرمان خلق کرد  
زنده است! در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی

همچنان در بن بست جنگ

با فتوای خمینی به رفتن به جبهه‌ها و اداری گشته‌اند. رژیم بدیس ترتیب مذبحخانه می‌کوشد که با سیج جنگی سراسری خود ضمن تداوم جنگ ارتجاعی، زندگی مشقت بار توده‌ها را تحت الشعاع مفاصل جنگ قرار دهد. اما همین سیج جنگی سراسری نشانه بارز در ماسدگی رژیم در تامین نیروی انسانی و هزینه ماشین نظامی جنگی، برای پیشبرد و تداوم جنگ ارتجاعی است. دیگر از امواج انسانی "مشتاقان و داوطلبین شهادت" و "راهبان بیشت" که تحت تاثیر توهامات مذهبی و شوونیستی در دفاع از مبین اسلامی سرمایه‌داران به جبهه‌های جنگ گسیل می‌شدند، خبری نیست. دیگر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی برهنگان آشکار گشته است. دیگر بجز مزدوران و دست‌نشانگان رژیم که در دفاع از منافع خود (که با موجودیت رژیم گره خورده است) کسی داوطلب هلاکت در راه اهداف ارتجاعی رژیم نمی‌باشد. رژیم در اثر ورشکستگی اقتصادی و مالی ناشی از کاهش صادرات و قیمت نفت، بنا به ماهیت ارتجاعی خود راهی جز غارت و چپاول هر چه بیشتر از دسترنج زحمتکشان پیش روی خود نمی‌بیند. سیج جنگی چندماهه اخیر رژیم نیز بر پایه همین واقعیت‌ها تشدید یافته است. شکستهای پی در پی رژیم در عملیات مختلف او نیز عامل دیگری است که حاکمیت برای پوشاندن آن بر دامنه تبلیغات جنگی و سیج جنگی اجباری خود افزوده است.

وضعیت فلاکت‌بار زندگی توده‌های زحمتکش، سیاستهای ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم در نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم، تشدید و تداوم جنگ ارتجاعی و مفاصل ناشی از آن، و در نهایت نارضایتی عمومی توده‌های مردم از حاکمیت جمهوری اسلامی، عاملی است که رژیم را واداشته است به بهانه جنگ برای مقابله با مبارزات توده‌ها،

جامعه را تحت کنترل پلیسی و نظامی خود درآورد. هر چند که همین سیاستهای ارتجاعی زمینه‌های رشد و توسعه اعتراضات توده‌ای را با شدت در خود می‌پروراند رژیم را در بن بست تضاد و تناقض غیرقابل حلی قرار می‌دهد. همچنانکه در زمینه ادامه جنگ نیز رژیم دچار بن بست گشته (و به هیچوجه پیروزی ای در این جنگ برای خود متصور نیست) و خاتمه و ادامه آن هر دو برای او نتایج یکسانی بیار خواهد آورد. تشدید جنگ باعث تضعیف نارضایتی عمومی و خاتمه جنگ نیز با توجه به عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به نیازهای جامعه و سیاستهای ارتجاعی، باعث گسترش اعتراضات توده‌ها گشته و هر دو راه، رژیم را در سراسیمه و سرنگونی قرار می‌دهد، که رژیم با اتکا به سیاستهای جنگ طلبانه، راه اول را برگزیده و برای افزودن به عمر سنگین خود و مقابله با اعتراضات توده‌ای، به سیاست ترور و خفقان پلیسی نظامی دست باز کرده است. تلاشهای سردمداران رژیم در کردستان بخوبی ماهیت ارتجاعی و پلیسی نظامی آنها را بر ملامت کند: کنترل و معابر کردستان، هجومیهای وحشیانه مزدوران برای دستگیری دسته جمعی جوانان، تهدید مردم روستاها به قطع کوبن ارزاق عمومی، اخاذی آشکار از مردم در جهت تامین هزینه‌های جنگ، تعطیلی زودتر از موعد مدارس اعزام اجباری دانش‌آموزان و معلمان به جبهه‌ها و تهدید معلمان و وزیر فشار گذاشتن آنها برای پوشیدن لباس نظامی در مدارس... جزو سیاستهای است که امروزه در کردستان توسط مزدوران رژیم به اجرا گذاشته شده و خشم و تنفر مردم را بیشتر از پیش علیه رژیم برانگیخته است.

رژیم که تنها با اعمال حکومت پلیسی نظامی خود بر سراسر کردستان و تحت فشار گذاشتن مردم نتوانسته اراده مقاوم و انقلابی زحمتکشان خلق کرد را درهم بشکند، مذبحخانه درمدم عوام فریبی برآمده و سرشدت تبلیغات جنگی خود افزوده و دستگاهها و ارگانهای

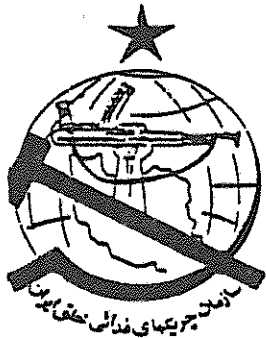
تبلیغاتی جدیدی را ایجاد کرده است. در همین رابطه "قائم مقام تبلیغات شورای عالی دفاع" و "مسئول هماهنگی کمیته‌های تبلیغات جنگ استانها" بیست و هفتم اردیبهشت ماه، خود، به کردستان شتافته و ایجاد "ستاد" متشکل از پنج کمیته فرعی در استان کردستان را در دستور کار مزدوران رژیم قرار دادند. این "ستاد" ضمن پیشبرد تبلیغات جنگی و عوام فریبانه رژیم تکلف گشته که در جهت خنثی ساختن فعالیت انقلابی نیروهای سیاسی نیز به تبلیغات ارتجاعی رژیم دامن بزنند.

همچنین امام جمعه‌ها و دیگر عوامل دستگاه روحانیت با برگزاری کردهم‌آبی دیگری با استاندار مزدور، کردستان، چگونگی استفاده از این دستگاه فریب و تحمیق را در جهت ترغیب توده‌ها برای رفتن به جبهه‌ها مورد بحث گذاشتند. تا بشا استاندار مزدور کردستان در این رابطه چنین گفت: "در کردستان به مساجد اهمیت فراوانی داده میشود... شما برادران روحانی و هیئت‌امناء باید کوشش کنید تا جوانان بیشتر جلب مساجد شوند"

در شهر سقز نیز رژیم برای مقابله با اعتراضات مردم این منطقه و اداری کردن آنها به تمکین در برابر سیج جنگی، کردهم‌آبی با شرکت مرتجعین: فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران شهر سقز، ملاها و اعضای "شوراهای اسلامی روستایی" تشکیل دادند تا بوسیله مزدوران خود در روستاها که تحت نام "شوراهای اسلامی روستایی" به خدمت رژیم درآمده‌اند، مردم را برای رفتن به جبهه‌ها زیر فشار بگذارند.

همه این اقدامات بیانگر ضعف و ریبونی رژیم در برابر اراده مقاوم و خلل‌ناپذیر خلق مبارزی است که برای دفاع از دستاوردهای مبارزاتی خود بپاخاسته و تشنات مذبحخانه رژیم را برای جاری ساختن توانیسن ارتجاعی خود در کردستان به تمسخر می‌گیرند.

حسامی "امام جمعه" مزدور سقز

**اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران****پیرامون ورشکستگی سیاسی و****اعمال پلیسی - جاسوسی سازمان مجاهدین خلق****کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!**

اکنون مدتی است که سازمان مجاهدین خلق در ادامه سیاستهای ارتجاعی خود، بمنظور ابراز وفاداری و سرسپردگی به امپریالیسم و بورژوازی ایران، دشمنی علنی و آشکار خود را با سازمانهای انقلابی ایران تشدید نموده است. مجاهدین خلق این سیاست ارتجاعی خود را بیش از همه متوجه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نموده و در این زمینه از بکار گرفتن رذیلت‌ترین و پست‌ترین شیوه‌هایی که تاکنون در جنبش ما سابقه نداشته است فروگذار نگردانند.

چندین شماره اخیر نشریه مجاهد، گویاترین سند درافشای این سیاست و شیوه‌های ارتجاعی است. دروغ‌پردازی، افشرا، جعل حقایق، برجسب زنی و مهمتراز همه توسل به شیوه‌های پلیسی - جاسوسی و درج عکس و نام برخی از هواداران سازمان در خارج از کشور در نشریه مجاهد که جز همکاری غیرمستقیم و مستقیم با سازمانهای جاسوسی - پلیسی رژیم جمهوری اسلامی و دولت‌های امپریالیست چیز دیگری معنا نمیدهد و خلاصه کلام شارلاتانیزم سیاسی بجای مبارزه سیاسی، تازه‌ترین دستاورد سیاستهای ارتجاعی مجاهدین خلق در دشمنی با سازمانهای انقلابی، توده‌های مردم ایران و انقلاب ایران است.

در پی انتشار اسامی چندتن از اعضاء کادر رهبری سازمان در نشریه مجاهد که اقدامی پلیسی محسوب میگردد، تعدادی از هواداران سازمان در فرانسه، اقدام به پخش اطلاعیه‌هایی در اعتراض به این اقدام در محل اقامت رجوی رهبر سازمان مجاهدین نمودند. اما مجاهدین خلق نه تنها به شیوه‌های زشت و ناهنجار علیه هواداران سازمان متوسل شدند بلکه در نشریه مجاهد عکس و اسامی تعدادی از هواداران را منتشر نمودند و در اطلاعیه‌ها و نشریات خود، از بکار گرفتن زشت‌ترین و کثیف‌ترین شیوه‌ها، دروغ‌پردازی، افشرا و جعل حقایق نیز خودداری نکردند.

این تازه‌ترین دستاورد سیاستهای ارتجاعی مجاهدین خلق، بیانگر استیصال، بی اعتباری و ورشکستگی سیاسی سازمانی است که طی چندسال اخیر، مداوما در میان توده‌های مردم ایران افتاد و بی اعتبار گشته و به انفراد و ورشکستگی روزافزونی کشیده شده است.

سازمان مجاهدین خلق که زمانی بعنوان سازمانی دمکرات و ضد امپریالیست از منافع خلق دفاع میکرد، اکنون مدتهاست که بمثابه یک سازمان لیبرال - مذهبی، به دشمنی با توده‌های مردم برخاسته، وارد بند و بست با دولت‌های امپریالیست و عموم مرتجعین شده و از منافع بورژوازی فداانقلابی ایران دفاع میکند.

این سازمان با هرگونه دمکراسی به مخالفت برخاسته، مدافع نظم ارتجاعی - بوروکراتیک حاکم بر ایران شده، از برجای ماندن ارتش و بوروکراسی و بسیاری دیگر از نهادها که کهنه و ارتجاعی دفاع میکنند و از اینکه قدرت سیاسی در دست خلق یعنی کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرارگیرد، هراسان است.

مجاهدین خلق همچون خمینی از پیوند آشکار دین و دولت و یک حکومت مذهبی در ایران دفاع میکند. همه سیاست‌های داخلی مجاهدین، بیانگر دفاع این سازمان از منافع بورژوازی فداانقلابی و تلاش در جهت حفظ نظم ارتجاعی - بوروکراتیک موجود است. در یک کلام آنها تنها خواستار جایگزینی رجوی بجای خمینی بدون هرگونه تغییر اساسی در نظم موجودند.

سیاست داخلی مجاهدین خلق که آشکارا سیاستی فداانقلابی و ارتجاعی است، در سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی این سازمان نیز بازتاب یافته است. مجاهدین خلق در عرصه بین‌المللی نیز بورژوازی جهانی را متحد خود یافته و از اینرو با دولت‌های امپریالیست و مرتجع‌ترین دولت‌های منطقه، وارد اتحاد و زدوبند شده‌اند.

بی درحقیقت بدون علت نیست که این سازمان از مدتها پیش تلاش همه‌جانبه‌ای را در عرصه بین‌المللی آغاز نموده تا مناسبات همه‌جانبه‌ای را با دولت‌ها، احزاب و سازمانهای بورژوازی برقرار نماید و حمایت و پشتیبانی بورژوازی بین‌المللی را نسبت به خود جلب کند. اکنون مدتهاست که سراسر نشریه مجاهد مملو از تأییدیه‌های احزاب و دولت‌های محافظه‌کار و ارتجاعی سراسر جهان از این سازمان است. آنها ضمن جلب حمایت اکثریت دولت‌های مرتجع، در تلاش‌اند که حمایت همه -

جانبه امپریالیسم آمریکا را که سرکردگی ارتجاع بین المللی را برعهده دارد ردنیز جلب کنند. از همین روست که در پیشگاه این سرکرده را خزنان و غارتگران جهانی، زانو میزنند، از مبارزات گذشته سازمان خود علیه امپریالیسم آمریکا اظهار ندامت میکنند و قول "توبه" میدهند که متحد قابل اعتمادی برای امپریالیسم باشند. آنها بمنظور نشان دادن هرچه بیشتر این سرپردگی به امپریالیسم، با منفورترین، سرسپرده ترین رژیمهای منطقه همچون شاه اردن مناسبات دوستانه ای برقرار نموده تا هرگونه سوء تفاهمی را از میان بردارند. این است ادامه وسط سیاست داخلی مجاهدین در عرصه بین المللی و سیاست خارجی. و مضحک این است که مجاهدین در همان حال که این سیاست ارتجاعی را به پیش میبرند، عوامفریبانه تلاش میکنند بمنظور فریب توده های مردم ایران، این اتحاد و زدوبند خود را با مرتجع ترین دولتهای جهان، "دیپلماسی" فعال در جهت "انقلاب" جا بزنند. اما کیست که نداند این سیاست خارجی مجاهدین خلق ادامه منطقی سیاست داخلی این سازمان محسوب میگردد و سیاسی بکلی ارتجاعی و ضد انقلابی است.

روشن است که افشاء بی امان سیاستهای مجاهدین خلق از سوی سازمان ناممیتواند واکنش کین توزانه و دشمنی همه - جانبه مجاهدین را علیه ما برنیا نگیزد.

نه فقط دشمنی روزافزون مجاهدین خلق با سازمانهای انقلابی ایران جزئی لاینفک از مجموعه سیاستهای ارتجاعی آنهاست، بلکه آنها که در برابر افشاءگریهای بی امان سازمان ما مداوما خود را در وضعیت وخیم تری می بینند، لبه تیغ حملات خود را متوجه سازمان ما نموده و هرچه بیشتر سیاستهای آنها در میان توده های مردم ایران افشاء میگردد، در این مبارزه به ورشکسته ترین و کثیف ترین شیوه های بورژوازی متوسل میشوند.

سازمانی که به انقلاب و توده های مردم ایران پشت نموده و سیاستی ضد انقلابی و ارتجاعی در پیش گرفته است، به هیچ

پرنسیپی جز بی پرنسیپی نمیتواند پای بند باشد.

سازمانی که رسوائی عظیم ازدواج رجوی با همسرا بریشمچی را "انقلاب ایدئولوژیک" بنامد قطعاً در مبارزه علیه سازمانهای دیگر حربه دیگری جز فحش و افترا، دروغ پردازی و شاراتانیزم، شیوه های پلیسی و جاسوسی نخواهد داشت. اما اکنون دیگر رسوائی و بی اعتباری مجاهدین خلق از آن حد گذشته است که چهره واقعی آنها بر توده های مردم ایران ناشناخته باقی مانده باشد.

هفت سال سیاست ارتجاعی ستمگرانه و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و نیز مجموعه عملکرد و سیاستهای سازمان مجاهدین خلق به توده های مردم ایران در سبای گرانبها و ارزشمندی آموخته است. توده های مردم ایران صحت و حقایقت مواضع ما را علیه رژیم جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق به تجربه دریافته اند. راه دیگری جز بی اعتمادی مطلق به احزاب و سازمانهای بورژوازی و مبارزه برای بدست گرفتن قدرت توسط خود توده های مردم ایران برهبری طبقه کارگر در برابر توده های مردم ایران باقی نمانده است. همه دوستان دروغین خلق، خود در عمل ماهیت خود را افشاء نموده اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناب سازمانی که از منافع عموم توده های زحمتکش دفاع میکند، بمبارزه بلاوقفه و بیکیرانه خود علیه رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک جمهوری حقیقتاً انقلابی و دمکراتیک بدون هدف فوری طبقه کارگر ایران بمبارزه خود ادامه میدهد.

ما وظیفه خود میدانیم در همان حال که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بمبارزه ادامه میدهم، ماهیت عموم سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی مجاهدین خلق را بلاوقفه در میان توده های مردم ایران افشاء کنیم و بیش از پیش چهره واقعی آنها را برملا سازیم. مجاهدین خلق جز رسوائی و بی اعتباری روزافزون، آینده ای در برابر خود ندارند. اگر شیوه هایی که آنها علیه سازمان ما بکار گرفته اند، بیانگر چیزی جز ورشکستگی سیاسی نیست، بگذار آنها بمناب پاسداران نظم موجود یاوه سرائی کنند، هرچه میخواهند بگویند و بنویسند و به کثیف ترین شیوه ها در مبارزه متوسل گردند. ما بمبارزه خود بیکیرانه تر ادامه خواهیم داد و پیروزی از آن ماست. در این مبارزه جز رسوائی و بی اعتباری هر چه بیشتر چیز دیگری عاید مجاهدین نخواهد شد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق  
رشد باد سوسیالیسم  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

عهده گرفته و "با مساعده دیدن اوضاع" زمینه را برای بازکردن پای اسلاف خود به کردستان آماده می نماید.

راه کارگر که از مدتها پیش با بریاد وحدت با هر کس که قلمی و قدمی دارد، لیبرالیسم آشکار و تفاد عمیق بود را با سیاست مستقل پرولتاری می یان ساخته است، در برخورد به جنبش انقلابی خلق کرد نیز مین لیبرالیسم و ناسیونالیسم گشته است. راه کارگر همانطور که در هر خورد به معضلات جنبش انقلابی سراسری همواره از تشدید تضادهای طبقاتی به وحشت افتاده و با تبلیغ سازش طبقاتی سیاستهای رفرمیستی را پیشه خود ساخته و بانفی هژمونی طبقه کارگر در مورد انحلال تشکلهای طبقاتی کارگران در تشکلهای بورژوازی می باشد، در جنبش انقلابی خلق کرد نیز با مستمک قرار دادن "جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد" بانفی سیاستهای مستقل پرولتاری در قبال جنبش خلق کرد، به دنباله روی از بورژوازی و اتخاذ سیاستهای بورژوا ناسیونالیستی پرداخته است.

راه کارگر که تاکنون مجدانه تلاش میکرد مبارزه ملی در کردستان تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار بگیرد این بار در ریگای کریکا شماره ۳۲، برای آنکه آشکارا و صراحتا رابطه جنبش انقلابی خلق کرد با جنبش سراسری طبقه کارگر رانفی نکند ناچار از کلی گویی شده است. هر چند که عبارت بردار زیبهای کلی راه کارگر نتوانسته اس و اساس دیدگاه او مبنی بر تضعیف جنبه های طبقاتی جنبش انقلابی خلق کرد، نفی پیوند دیالکتیکی بین دو جنبه مسائل ملی و طبقاتی و تاکید یک جانبه بر مسئله ملی را بپوشاند؛ ریگای کریکا ر پس از حاشیه بردازی در مورد "عامل اصلی بوجود آورنده هر نوع ستمی" چنین می نویسد: "جنبش خلق کرد باید با جنبش طبقه کارگر پیوند هر چه مستحکمتری

پیدا نماید تا در اثر تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر، از یکسو راه پیمایی طبقه کارگر برای دستیابی به سوسیالیسم سهل تر شود و از سوی دیگر جنبش خلق کرد امکان دست یافتن به پیروزی قطنی را پیدا کند" (ص ۱۳)

پس از نظر راه کارگر پیوند جنبش خلق کرد با جنبش طبقه کارگر برای تاثیر گذاری متقابل بر همدیگر است نه "تأمین رهبری" طبقه کارگر" براقشار و طبقات دیگر". البته تا اینجا راه کارگر با کلی بافی سعی کرده است که کنه دیدگاه انحرافی خود را بپوشاند، اما وقتی راه کارگر میکوشد که طرح مشخص و عملی خود را ارائه دهد، استراتژی و تاکتیک خود را معین سازد، درک مکانیکی او از پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد آشکارتر میشود. راه کارگر با کیجری و سردرگمی همیشگی خاص خود میگوید:

"با توجه به اینکه در کردستان طبقه کارگر نیرومندی وجود ندارد مگرچه سازماندهی مستقل کارگران کردستان ضرورت تخطی ناپذیر دارد و همین شکل مستقل کارگری میتواند تمینی برای ادامه کاری جنبش خلق کرد بوجود آورد، اما جنبش خلق کرد باید پیوند خود با جنبش کارگری را از طریق پیوند با جنبش طبقه کارگر سراسری - ان دنبال نماید و کارگران کردستان به عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران نقش حلقه رابط و لولای اتصال جنبش خلق کرد با جنبش طبقه کارگر ایران را ایفا خواهد نمود". (ص ۱۳)

با این بیان، راه کارگر به شیوه معمول اپورتونیستی خود سعی کرده است که مسئله سازماندهی مستقل کارگران کردستان و ارتباط این تشکل را با تشکل سراسری طبقه کارگر در زمین و هوا مطلق باقی بگذارد، تا برای برده افکندن بر نظرات رفرمیستی خود، هم از تشکل مستقل کارگری محبتی کرده باشد و هم از ضرورت پیوند جنبش کارگری با جنبش خلق کرد، اما در واقع

راه کارگر از سویی در جهت افتراق میان کل طبقه کارگر، کارگران کردستان را از کل طبقه کارگر ایران جدا میازد و از سویی دیگر چنین وانمود میکند که گویا با چرخ ولولاهای مکانیکی میتواند رابطه ای بین جنبش خلق کرد و جنبش طبقه کارگر ایجاد نماید. این درهم اندیشی ناشی از عدم اعتقاد راه کارگر به قانونمندیهای مبارزه طبقاتی است. وقتی راه کارگر میان مبارزه ملی و مبارزه طبقاتی تقسیم و تاخر متافیزیکی قائل میشود، باید هم از جدا سازی تشکل کارگران کردستان با تشکل کارگران سراسر ایران و از کارگران کردستان بعنوان "حلقه رابط و لولای اتصال" جنبش خلق کرد با جنبش طبقه کارگر ایران دم بزند. راه کارگر پس از طرح ضرورت سازماندهی مستقل کارگران کردستان، با گفتن اینکه "ما جنبش خلق کرد باید پیوند خود با جنبش کارگری را از طریق پیوند با جنبش طبقه کارگر سراسر ایران دنبال نماید" بخوبی نشان میدهد که منظورش او از این عبارت سازماندهی مستقل کارگران کردستان جدا از جنبش سراسری طبقه کارگر ایران می باشد.

بیگانگی راه کارگر از ما رکیسیم - لنینیسم عاملی است که مانع درک او از وحدت و همبستگی طبقاتی کارگران سراسر ایران و لزوم تشکل کارگران کرد، فارس، عرب، بلوچ و ترک و... در سازمان سراسری طبقه کارگر، در حزب طبقه کارگر ایران می باشد. طبیعی است که پیوند جنبش خلق کرد با جنبش سراسری توده های زحمتکش ایران که بر مبنای استراتژی واحد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی مناسبات اقتصادی، اجتماعی حاکم پایه گرفته است با رهبری طبقه کارگر برکل جنبش توده های زحمتکش سراسر ایران میتواند استحکام باید و پیروزی قطنی این جنبش تنها با اعمال رهبری طبقه کارگر بر مبارزات زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران امکان تحقق می یابد.

اما راه کارگر با این کلی بافیها و تناقض کوشیها نمیتواند فدیست آشکار خود را با تعمیق مبارزه طبقاتی و ضرورت سازمان یابی مبارزات خلق در صفحه ۱۱

## پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد درگرو چیست؟

ایران را به سرانجام لطمی خود برساند، و این هدف تنها با اعمال اراده طبقه کارگر میتواند عملی گردد، زیرا خلعت فدا مهربالیستی - دمکراتیک رند سرمایه داری وابسته انقلاب دمکراتیک بوده‌ای ایران و نقشی و رسالت تاریخی طبقه کارگر در تحولات اجتماعی، اجتناب ناپذیری رهبری طبقه کارگر را برای حصول پیروزی قطعی انقلاب الزام آور می‌سازد. طبقه کارگر ایران که بنا بر رسالت تاریخی خود اساساً در راه استقرار سوسیالیسم و ایجاد یک جامعه عاری از ستم و استثمار مبارزه میکند، بیکیرترین طبقه انقلابیست که منافع خود را در تحقق هرچه رادیکالتر اهداف انقلاب دمکراتیک می بیند. طبقه کارگر، تنها اقله است که قادر است توده‌های وسیع زحمتکش را با تکیه بر دمکراسی پیگیر پرولتری در انقلاب دمکراتیک توده‌ای رهبری کند و انقلاب را به پیروزی قطعی برساند. هیچ طبقه و قشر دیگری قادر است انقلاب را به سرانجام قطعی اش برساند.

از جمله اهدافی که تحقق آنها با پیروزی انقلاب دمکراتیک - توده‌ای ایران بنا به وظایف مرحله انقلاب در ستور قرار داده است، حق تعیین سرنوشت کلیه ملل تحت ستم ایران تا سرحد جدایی و تشکیل دولت‌های مستقل است. تنها با پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران میتواند تضمین عملی واقعی بیاید. خلق‌های سراسر ایران تنها با مبارزه‌ای متحد و متشکل تحت رهبری طبقه کارگر میتوانند با تشکیل رنکونی رژیم جمهوری اسلامی و برقرار کردن کمیت انقلابی توده‌ای به حق تعیین سرنوشت خویش دست یابند.

جنبش انقلابی خلق کرد نیز بنا به قانون فعال مبارزه و سمبل مقاومت لنگهای ایران علیه نقش موثری که رضعیف قدرت و ثبات رژیم جمهوری اسلامی ایفا مینماید، اما به تنهایی قادر به سرنوشتی این رژیم و در هم - جویدن ماشین دولتی نمی باشد. رنکونی رژیم تنها با یک قیام مسلحانه و ده‌ای در سراسر ایران ممکن میگردد. بنا بر این پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد درگرو پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران است. گسترش و تعمیق جنبش انقلابی

خلق کرد خود با موانع متعددی روبرو است. رهبری جریان‌های غیر پرولتری و ناسیونالیستی برای جنبش که تا شیر مستقیم خود را در عدم پیشبرد مبارزه‌ای هدفمند، با برنا - و سازمان یافته منحل می‌سازد، یکی از صف‌های اساسی این جنبش است که روند تکاملی آنرا در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. حزب دمکرات کردستان که مدعی رهبری بلامعارض این جنبش است، طی پروسه هفت ساله عملکرد خود، بیانگر عدم کفایت رهبری یک جریان غیر پرولتری در جهت تحقق اهداف جنبش انقلابی خلق کرد و تأمین خواسته‌های انقلابی - دمکراتیک زحمتکش کردستان است. گفتار رادیوئی مورخ ۶۵/۱/۲۶ حزب دمکرات تحت عنوان "جنبش ما این بار پیروز خواهد شد" تلاشی جدید حزب را در جهت به انحراف کشاندن مبارزات خلق رحمتکش کرد، از مسیر اصلی خود عیان می‌سازد. حزب دمکرات در این گفتار رادیوئی ضمن مروری بر سابقه تاریخی جنبش خلق کرد در مورد شرایط شکل گیری "جنبش‌های گذشته" و علل شکست آنها میگوید: "جنبش‌های گذشته کردستان در شرایطی شکل گرفته است که فئودالیسم بر سراسر کردستان حاکم بوده است و رهبری اکثر این جنبش‌ها را روسای عشایر فئودالی‌های بزرگ و یا شخصیت‌های دینی بر عهده داشتند، یکی از خصوصیات رژیم فئودالیسم نوعی خود بزرگ بینی فئودالی‌هاست که بر اثر آن حاضر نمی‌شوند کسی را بالاتر و بزرگتر از خود بشناسند و به هیچ وجه رضایت نمیدهند که قدرت خود را با خاطر مملکت مردم از دست بدهند همین که فشار حکومت را احساس کرده‌اند نه فقط از کمک به جنبش سرباز زده‌اند بلکه علیه آن نیز وارد عمل شده‌اند."

حزب دمکرات در حالیکه ظاهرآ کوشیده است تا دلایل شکست جنبش‌های خلق کرد را در گذشته تحلیل نماید اما در واقع دلایل اصلی شکست این جنبش‌ها را با طرح مائستی از قبیل: "خود-

بزرگ بینی فئودالی‌ها" مخفی ساخته و به نوعی به دفاع از فئودالی‌ها پرداخته است. حزب دمکرات با این استدلال میخواهد بر ماهیت ارتجاعی نظام فئودالیسم که ستم‌گرای بکسی از ظواهر این نظام است، پرده سانسز افکنده و تضاد طبقاتی زحمتکشان کرد را با فئودالی‌ها و دیگر مرتجعین بپوشاند. آنچه مورد مخالفت حزب دمکرات با فئودالی‌ها می باشد خود بزرگ بینی فئودالی‌هاست که "بر اثر آن حاضر نمی‌شوند کسی را بالاتر و بزرگتر از خود بشناسند" بدین وسیله حزب میکوشد که صف خلق رند خلق، انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش ساخته و نسبت به فئودالی‌ها در اذهان توده‌ها توهیم ایجاد نماید. حزب دمکرات دشمنی طبقاتی عمیق فئودالی‌ها را با منافع زحمتکشان و ضدیت آنها با هرگونه جنبش ترقی خواهانه و دمکراتیک را در اینک فئودالی‌ها "به هیچ وجه رضایت نمیدهند که قدرت خود را با خاطر مملکت مردم از دست بدهند..." لاپوشانی میکند. اگر در مقطعی "روسای عشایر، فئودالی‌های بزرگ و یا شخصیت‌های دینی" در رأس جنبش قرار گرفته‌اند با هدف شکست و به انحراف کشاندن این جنبش‌ها، در جهت دفاع از نظام حاکم و تأمین منافع توده‌هاست که اگر مطابق دلخواه آنان جنبش در مسیر انحرافی خود میتواندست حکومت این مرتجعین محلی را متحقق نماید، مطلوبترین شکل تأمین منافع طبقاتیشان را در بر میداشت و به همین دلیل نیز هدفشان از شرکت در جنبش بهیچوجه بزم حزب دمکرات قصد "کمک به جنبش" نبوده است.

بر خلاف تصور حزب دمکرات در جنبش‌های گذشته خود بزرگ بینی فئودالی‌ها با سرباز زدنشان از کمک به جنبش نبوده است که مانع پیروزی جنبش می شد، بلکه حرفا و مطلقاً شرکت فئودالی‌ها و روسای عشایر در جنبش بهترین مهمترین عامل شکست این جنبشها محسوب میشود.

حزب دمکرات در ادامه گفتار خود و جهت‌های شرایط فعلی جنبش را با شرایط گذشته چنین توصیف میکند: "اکنون سرمایه داری نوپا روابسط جدیدی با خود آورده است، مردم

## دراقتی

### مطالعه گران چهره بورژوازی

مرکب آیت الله شریعتمداری یکبار دیگر مناسبتی مهیا کرد تا حزب دمکرات باز هم تبحر خود را در سیاستمداری به آزمون بگیرد و به بازی مشغولکننده اش با مفاهیم سیاسی و مبارزاتی ادامه دهد.

حزب دمکرات کردستان ایران، روز ۱۸ فروردین ماه یکپزار و سیصد و شصت و پنج در یک گفتار رادیوئی به مناسبت درگذشت آیت الله شریعتمداری به موضوعی پرداخت.

حزب در این گفتار رادیوئی بعد از اعلام خبر مرگ و تدفین شریعتمداری سرخ را با یک "داستان" کهنه شده از روابط شریعتمداری با خمینی آغاز کرد و شمه ای از چمگیرترین فعالیت های مذهبی او را از "حوزه های علمیه قم" طی سالهای ۴۲ تا بهمن ۵۷ بمیان کشید و با سر فرو کردن در جزوه نامه فقها و زعمای ایران، الواج زربینی مزین به خدمتگزاریهای شریعتمداری را به جامه آیت الله ها بیسروون کشید و درباره آنان به سخن سرایی پرداخت.

حزب دمکرات، همچنین با انتساب مفاتی خاصه به شریعتمداری به تعریف و تمجید از خصوصیات فردی و سیاسی او پرداخت و بعد از مقایسه وی با دیگر مراجع مذهبی، به نیابت مردم، شریعتمداری این لیبرال فسیل و واخورده را که با سرکیمه کردن زحمتکشان و دخل تصرف و مشارکت در اموال و زمینهای موقوفه به ثروتیای قارونی رسیده و در عالم سیاست حزب دمکرات پسند به بندبازی مشغول بود و سرانجام به توابعین درگاه خمینی بیبوست رانردی با "نفوذ" معرفی کرد و او را از رهبران مخالف علییه "بیدادگری و استبداد سلطنتی شاه"، "مخالف استبداد خمینی" و مهمتر از هر چیز "طرفدار دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک" خواند.

حزب دمکرات در این گفتار که تلاشی نمود بازسازی دمکرات منشانه شریعتمداری را بعنوان یکسی از مخالفان معروف و با نفوذ خمینی از

دیگر آیت الله ها متمایز گردانند و دین خود را نسبت با او ادا نمایند، اما راز این جانبداری درجایی دیگر نهفته بود. مسئله حزب دمکرات مراجعت به دستگاه مذهبی و کشف علت العلل کسب "نفوذ" رهبران مذهبی در بین پیروانشان و اهمیت داشتن یک چنین "نفوذی" بود و لاغیر! اینکه برای حزبی "دمکرات" و معتقد به "سوسیالیزم" عطف توجه خیره کننده به اهمیت "نفوذ مذهبی" دارای چه معنایی است معلوم نیست! حزب دمکرات در حالیکه ضعیفی گفتارش در توضیح جوهر اختلافات "مقامات عالی مذهب" نظیر شریعتمداری با خمینی نشان میدهد که آنان سه درگیر جنگ وجدال بر سر منافع توده ها، دفاع از آزادی و علیه استبداد بلکه آنها بر سر چگونگی اداره دستگاه مذهب، این دیو تحمیق و جهالت، بر سر اجرای قوانین حکومت مذهبی و تقسیم قدرت بیکدیگر دهن کجی میکنند و در حالیکه خود میگویند:

"هنگامیکه مسئله تعیین قانون اساسی و ولایت فقیه مطرح گردید، اختلاف نظر به حد اعلای خود رسید... زیرا از نظر مذهبی این مسئله را به معنای بزرگ کردن بیش از اندازه یک مرجع و در مقابل تضعیف وی اعتبار کردن مراجع تقلید میدانست، حزب با زهم شیفتگی اش را نسبت به "نفوذ" رهبران بزرگ مذهب پنهان نمیدارد و با آه و سوزن یکی از آنان بالحنی نرمگنانه براهیت این "نفوذ" تاکید میکند و دلستکی اش به دیگر رهبران با "نفوذ" که هم اینک نیز در قیاس حیا شد را نشان میدهد.

حزب میگوید:  
"خمینی خود بسیار خوب از نفوذ کلام مقامات عالی مذهب در بین پیروان مذهبی آگاه است و خطر بالقوه ای را که از جانب شخصیت های بزرگی چون شریعتمداری در طول زمان ممکن است متوجه قدرت و اقتدار استبدادی او شود بخوبی درک میکند." ملاحظه کردید؟ حزب دمکرات چگونه با اطمینان از "نفوذ" و سپس خطر بالقوه شخصیت های بزرگی چون شریعتمداری علیه "قدرت و اقتدار استبدادی" خمینی سخن میگوید! با زهم توجه کنید! حزب میگوید:

"آیت الله شریعتمداری همچون دیگر آیت الله های عالی مقام مخالف ولایت فقیه به حاشیه محنه رانده شد، آیا واقعا "شخصیت های بزرگ" و آیت الله های عالی مقام "در حاشیه محنه" صدای حزب دمکرات را شنیده اند؟ و آیا اضطراب مشتاق خود را درک کرده اند؟ الله اعلم! (تاکید از ماست) بجاست تا برای تفهیم بهتر گفتار حزب کمی بیشتر در آنها تعمق کنیم. ببینیم حزب از خصوصیات فردی و نظرات سیاسی آیت الله با "نفوذ" چه تصویری ارائه داده است.

"آیت الله شریعتمداری روی هم رفته شخصی بود که از لحاظ اخلاقی و شخصی، سلیم النفس و ملایم بنظر میرسید، این اخلاق شخصی در نظرات سیاسی وی نیز منعکس بود بطوریکه میتوان وی را میانرو حساب کرد وی خود را طرفدار دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک معرفی میکرد، و از کسانی بود که به دخالت مذهبی ها در امور سیاسی و مملکت داری چندان اعتقادی نداشت و این امر را به زیان مذهب و موجب بی اعتبار شدن مقامات مذهبی میدانست... شریعتمداری موافق دخالت بیش از اندازه شخصیت های مذهبی در امور کشورداری نبود." (به نقل از گفتار رادیوئی حزب دمکرات، ۱۸ اردیبهشت ۶۵ - تاکید از ماست)

دقت کنید! حزب دمکرات در این بخش از بیانات خود بطرح دو موضوع مهم میپردازد. اول اینکه شریعتمداری یک فرد "میانرو" و "طرفدار دمکراسی" و آزادیهای دمکراتیک بوده است، دوم اینکه او با دخالت بیش از اندازه شخصیت های مذهبی در امور کشورداری موافق نبوده است.

حزب دمکرات علیرغم حاشیه بردازیهایش در اینجا چکیده کلامش را گفته است. حزب در موضوع اول سعی نموده است به تبلیغ نوعی از دمکراسی عوامانه و بیان تهنی بپردازد و در موضوع دوم از جانب شریعتمداری دخالت "باندازه" شخصیت های مذهبی در امور کشورداری را جایز شمرده و نوعی از فد دمکراسی را تبلیغ کرده است.

اگرچه این دو موضوع مجزا از هم بیان گشته اند، اما دقیقاً در ارتباط با هم مضمون واحدی را حمل در صفحه ۱۵

## یاد اسماعیل شریف زاده ویارانانش در آرمان خلق کرد زنده است!

۱۲ اردیبهشت، امروز شهادت اسماعیل شریف زاده، وقتی چند از همزمانش، در تاریخ مبارزات خلق کرد بعنوان یکی از نقاط برجسته و درخشانی از جانفشانی و قهرمانی پرچمداران این مبارزه، الهام بخش مبارزان راستین راه رهائی این خلق ستمدیده گشته است.

در چند دهه اخیر، بعد از اصلاحات ارضی شاه در سال ۴۱ بورژوازی ایران برای تحکیم مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری و برقراری یک دیکتاتوری متمرکز و همه جانبه، در جهت به انقیاد کشاندن توده ها به اعمال سرکوب و تسلیم جت. رژیم سلطنتی با تحمیل وضعیت رفعت بار اقتصادی، ستکسری سیاسی رایاوج رساند و علیه کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به اعمال قهر برداخت تا بلکه شرایط وجودی تسلط طبقه حاکم را حفظ نماید. رژیم که با زور و شکنجه و کشتار و مداخله پلیسی در زندگی آحاد جامعه اگرچه سروری سرنیزه بظاهر یک جزیره انزله ای از "ثبات" و "امنیت" را برقرار نمود، در جامعه اما تعارضات درونی مردم عشق و زرفای بیشتری می یافت.

کردستان نیز با وجودیکه به لحاظ عینی، همواره از زمینه تحرک مبارزاتی برخوردار بود، ولیکن طی این سالها در نتیجه سرکوب شدید و اثرات شکستهای گذشته کدوده های ستمدیده با آن مواجه گشته بودند در یک دوران رکود فرو رفته بود.

دریک چنین شرایطی بود که شریف زاده و یارانش در فاصله سال ۴۷ - ۴۶ با یکا رگیری مبارزه مسلحانه قدمهای استواری را در مبارزه علیه رژیم شاه برداشتند. آنها در صالیت

انقلابی خود، آگاهگری در بین توده های ستمدیده و سازماندهی مبارزه مسلحانه در کردستان را در صدر وظایف خود قرار داده بودند و با انشای ماهیت رفرم ارضی و ستمرگیری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی دستگاه سلطنتی شاه به تبلیغ در بین دهقانان پرداختند و به نیروهای مورد اعتماد زحمتکشان میل گشتند.

انتکاس فعالیت شریف زاده و همزمانش در بین توده ها و تاثیرات آن رژیم شاه را واداشت تا با تمام قدرت نیروی سرکوبش را برای نابودی آنها متمرکز نماید تا از منطقه دور شدن آنها مبارزه مسلحانه در کردستان جلوگیری بعمل آورد.

سرانجام در روز ۱۲ اردیبهشت نیروهای سرکوبگر شاه اعم از ارتش، ژاندارمری و جاها درگیری نابرابری را به شریف زاده و جمعی از یاران دلیرش در روستای "دارینه" در منطقه بانه تحمیل نمودند که طی آن شریف زاده و ۴ تن از مبارزان راه - رهائی خلقی کرد در حالیکه قلبشان مالا مال از عشق به زحمتکشان، عشق به آزادی و رهائی می طپید و با آتش گرم سلاح خود خشم فروخته خلقی ستمدیده را فریاد میزدند، قهرمانانه جان باختند.

سه روز بعد نیز سلیمان معینی از همزمان دیگر شریف زاده به دستور ملامطفی بارزانی در نتیجه یک توطئه به شهادت رسید. رژیم شاه بیکر بیجان سلیمان معینی را برای ابراز قدرت و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، در میادین شهرهای کردستان به نمایش گذاشت.

مبارزه ای که شریف زاده و همزمانش نخستین پرچمداران آن بودند، اگرچه بسرعت سرکوب گشت، اما از آنجا که این انقلابیون با درک شرایط و ضرورت های موجود، به تاکتیک مبارزه مسلحانه روی آورده بودند، مشعلی را برافروختند و بدر مبارزه ای را برانگندند و خون سرخشان را بپای آن جاری ساختند که در سرفملی دیگر (۱۰ سال بعد و در جریان جنبش سراسری) آنچنان نکوفان گشت که هزاران دست در جهت ادامه این مبارزه سلاح را در خود فشرد.

جنبش انقلابی خلق کرد امروز بعد از ۷ سال در مقابل سرکوب عنان گسیخته رژیم جمهوری اسلامی همچنان استوار و محکم در راستای تحقق اهدافی به پیش میرود که شریف زاده ها بر تحقق آن پای فشردند و جان خود را وثیقه آن گردانیدند. اهدافی که باید با سرنگونی رژیم ضد خلقی حاکم و برقراری جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان و اجرای مطالبات دمکراتیک، مناسبات بسوسیده و قرون وسطایی را از میان برداشته و با ایجاد یک زندگی نوین راه ترقی و پیشرفت را در جامعه کردستان گشوده و کارگران و زحمتکشان این سرزمین را بر سر نوشت خویش حاکم گرداند به همین دلیل است که امروز یاد رزمندگان راه رهائی خلق کرد از قید ستم ملی و کسب حق تعیین سرنوشت در سالهای ۴۷ - ۴۶، یاد شریف زاده و همزمانش در آرمان خلق کرد زنده است و نام آن در تاریخ مبارزات خلق کرد جاودان گشته است.

### در فضای...

سدفاع برخاست، چنانچه بگوئیم درک نمیکرد جمهوری، اگر اسلامی باشد، دیگر دمکراتیک نخواهد بود، امروز تقویت غیر مستقیم او هام دینسی از کانال تبلیغ حول مروجین رسمی آن توسط حزب دمکرات و تبلیغ دولت مذهبی "تخصیصی عالی مقام" و "مراجعی تقلید" مرتجع و تاکید بر ضد دمکراسی نشان میدهد حزب دمکرات علیرغم تلاشهای خود برای حفظ ظاهر تاجه حد درجیت رسیدن به شعارهای روزانه خود بیکیری دارد و چگونه حتی دمکراسی و خود مختاری مورد ادعای خود را نیز بخش میکند.

این است جلوه ای از حقایق سیاسی حزب دمکرات که علیرغم برخی ظواهر آراسته، هزارگانه در عملکرد های آن بازتاب یافته و گام به گام محتوای درونیش را عیان شرمی نماید.



## از تجارب کارگران و زحمتکشان ویتنام در پیشبرد انقلاب بیا موزیم

روز ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ برابر با دهم اردیبهشت یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار، روز فتح سایگون، بزرگترین بیروزی خلق قهرمان ویتنام بر امپریالیسم آمریکا و مزدوران سرکوبگرش و ۱۹ ماه می (۲۹ اردیبهشت ماه) برابر است با نود و ششمین سالروز تولد رفیق هوشی مین کمونیست سخت کوش و رهبر توانای کارگران و زحمتکشان ویتنام.

مردم ویتنام که ده سال مبارزه رنجناک و پشیمانده امپریالیستی خود را در سال ۱۹۴۵ با آزادسازی شمال از زیر یوغ امپریالیستهای استعمارگر، به بیروزی رسانده بودند، در ادامه مبارزات خود علیه امپریالیستهای فرانسوی سرانجام در شهریور پیروز شدند. دین بین نو در ۷ مارس ۱۹۵۴ با شکست کامل امپریالیسم فرانسه در ویتنام برداشته پیروزیهای خود افزودند. پس از شکست استعمارگران فرانسوی در هندوچین، امپریالیسم آمریکا به گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی همه جانبه خود در جنوب ویتنام دست زد، اما زحمتکشان ویتنام به رهبری طبقه کارگر این کشور که در رأس خود حزب انقلابی طبقه کارگر را داشت توانست با مبارزات قهرمانانه خود بوزه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا را با خاک بمالد. بیروزی کارگران و دهقانان ویتنام، با نامین هژمونی طبقه کارگر، برجانبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق ویتنام به سرانجام قطعی خود رسید. این بیروزی نتیجه ایجاد سه رکن اصلی تحقق اهداف انقلاب یعنی سه تشکیل حزب طبقه کارگر جنبه توده ای و ارتش خلق و تأمین رهبری حزب طبقه کارگر در "جنبه آزادیبخش ملی" و "ارتش آزادیبخش توده ای" ویتنام است. در اواخر سال ۱۹۶۰ به ابتکار انقلابی کمونیست ها و در راستای رفیق هوشی مین، برای رهبری مبارزات خلق ویتنام "جنبه آزادیبخش ملی ویتنام"

تشکیل یافت و چندماه بعد ارتش آزادیبخش ویتنام برای سازماندهی هدفمند نیروی قهر توده ای ایجاد گردید. حزب کمونیست که مبتکر و پایه گذار رفیق هوشی مین بود با اعمال هژمونی خود بر ارتش توده ای و با جراتی بی نظیر مبارزات حماسی کارگران و زحمتکشان ویتنام را تا کسب پیروزی نهایی رهبری نمود. کارگران و زحمتکشان ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست سازماندهی نظامی توده ای تحت فرماندهی ارتش آزادیبخش توده ای بعد از دهها سال مبارزه خونین، برانگیختگی ویرانه، سوسیالیسم را برپا داشتند.

حزب کمونیست، حزب آهنین طبقه کارگر در برتو رهبری متمرکز و قاطع خود کلیت اصول مارکسیسم - لنینیسم را ناظر بر خط مشی آن با تأکید بر قهر انقلابی با قدرتی بی نظیر دو وظیفه متفاوت خود را در مناطق مختلف یعنی بنای ساختمان سوسیالیسم در شمال و آزادسازی جنوب را بموازات هم پیش برد. در این سالها وفاداری حزب کمونیست ویتنام به اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم و حفظ استقلال ایدئولوژیک سیاسی نقش تعیین کننده در پیروزیهای آتش خلق ویتنام ایفا نمود. حزب کمونیست ویتنام ضمن تأکید بر انترناسیونالیسم پرولتری به مرزبندی قاطع علیه کلیه انحرافات رویزیونیستی - تروتسکیستی پرداخت و با رد نظریات اپورتونیستی خروشچف برصحت و حقانیت مارکسیسم - لنینیسم پای فشرد.

بیت و یکمین کنفرانس حزب کمونیست ویتنام که در ماه اکتبر ۱۹۷۳ تشکیل گردید، بر ضرورت یکا رکیب قهر انقلابی تأکید ورزید: "راه انقلابی برای جنوب راه قهر انقلابی است، شرایط هرچه که باشد ما باید لحظه مناسب را انتخاب کرده (موضع) تهاجم استراتژیک را حفظ نموده و فعالانه راه پیشبرد انقلاب جنوب را راه نمائیم"

همچنین حزب کمونیست ویتنام بمنظور تحقق این موضع کنفرانس و جلساتی را با طرح، برنامه سنجیده ای که محصول نگاه و ارتقاء مبارزاتی حزب بود برگزار نمود. کمیته نظامی حزب در ماه مارس ۱۹۷۴ تشکیل جلسه داد و تدوین سیاست جنگ انقلابی بمنظور نابودسازی کامل دشمن و آزاد کردن جنوب را در دستور گذاشت. "کنفرانس نظامی تشدید فعالیت سیاسی برای بالا بردن کیفیت نیروهای مسلح خلق را توصیه نمود و استراتژی حمله و دفع حمله را در برنامه کار قرار داد و تأکید نمود که ارتش خلقی می باید سیاست تهاجم، برپایی قیام ها، در دست گرفتن ابتکار عمل و تنفیذ شرایط در همه جنبه ها را به پیش رانده و شرایط را برای تهاجم همه جانبه و حملات گسترده در سال ۱۹۷۵ فراهم نماید."

در نتیجه اجرای تصمیمات کنفرانس نظامی، ارتش خلق از اکتبر ۱۹۷۴ طی یک سلسله حملات خود به پیروزیهای دست یافت، که برتری نمایان خود را بر نیروی دشمن به اثبات رسانید. جمع بندی عملکرد ارتش خلقی، در این مقطع رهبری حزب را به نتیجه پیدا شدن نقطه عطفی در مبارزه خلق علیه دشمن رسانید که بر پایه ارزیابی عوامل پیدایش این نقطه عطف می باید حمله نهایی طراحی شود.

رهبری حزب با ارزیابی دقیق از موقعیت جدید، تصمیم گرفت که اگر شرایط مناسب بود، بدون وقفه جنوب را در سال ۷۵ آزاد گرداند، جمع بندی حزب برای مبنا استوار بود:

الف - تضعیف دولت دست نشانده سایگون و عجز و درماندگی امپریالیسم آمریکا در تنفیذ وضعیت موجود در جهت ایجاد معادلات جدید بمنظور جلوگیری از سقوط رژیم سایگون.

ب - ارتقاء موقعیت استراتژیکی انقلاب در جهت مرتبط ساختن شمال و جنوب کشور، تحریک جدید توده ای همراه با پتانسیل بالای مبارزات در شهرها علیه رژیم سایگون با خواسته های رفاهی و حمایت قوی مردم جهان از مبارزات مردم ویتنام.

اولین قدم بمنظور جامعه عمل

## پیش بینی سوسیال تشکیل حزب طبقه کارگر

## انتخابات کارگران و زحمتکشان...

پوشاندن به این جمع بندی، حمله دهم مارس ۱۹۷۵ به شهر بان می تات بود که شهر در یک نبرد دو روزه به تصرف انقلاب درآمد. با استفاده از موقعیت مناسب جدید، ارتش خلق وارد عمل شد و در ۱۹ مارس سراسر ایالت کوانگ تری را آزاد ساخت و در ۲۵ مارس شهر هوشه پایتخت کهنسال ویتنام را آزاد ساخت. در همین روز شهر دانانگ توسط نیروهای انقلاب محاصره شد. در نبرد دانانگ هماهنگی کامل بین حملات ارتش خلق و قیامهای توده‌ای ایجاد گردید. کهنه‌نهادنه مقاومت توده‌ها و اعتلا حرکات توده‌ای بود. بر اساس این برآورد از روحیات توده‌ها و شرایط ویژه که دفتر سیاسی حزب آنها در نظر گرفته بود: "اگر شرایط مناسب در آغاز سال ۱۹۷۵ نبود بنمایند مابدون وقفه جنوب را در سال ۱۹۷۵ آزاد خواهیم ساخت" فرا رسیده بود، بنابراین، دفتر سیاسی حزب تصمیم گرفت تمام نیروهای جامعه را برای نبرد نهایی بسیج نماید. ارجحیت نیز به جبهه سایگون داده شده بود. تمام خلق زیر شعار: "سرعت برق، شجاعانه، غافلگیرانه، پیروزی قطعی" بسیج شدند.

شاخه حزب در سایگون با اعمال کردن مردم از طریق دسته‌های زیادی که در تمام مناطق شهر ایجاد کرده بود، فعالیت شدیدی را آغاز نموده بود. صدها هزار اعلامیه چاپ و پخش شدند. گروههای تبلیغی پیشرو مسدود در فعالیت بودند. حزب کارهای شهر را با افزودن نیرو، دائم تقویت میکرد. در همین شرایط، انقلابیون لائوس، پنوم پن را فتح کرده و ضرباتی کاری بر نیروی امپریالیسم آمریکا وارد آوردند. تحت تاثیر این ضربات امپریالیسم که دیگر سرنگونی رژیم دست نشانده خود را در سایگون حتمی میدید، مجبور به خارج ساختن نیروهای خود از سایگون گردید. فوراً در ۲۱ آوریل اعلام کرد: "ما دیگر نمیتوانیم به ویتنام میا کمک کنیم. آنها باید با سرنوشتی که در

انتظارشان است، به مقابله برخیزند". تفادهای درونی دولت دست نشانده سایگون زیر فشار مبارزات توده‌ها به رهبری انقلابیون و خروج نیروهای آمریکا از سایگون به اوج خود رسید. وان تیو ناچار از استعفا گشت و هانگ، جای او را گرفت. در این زمان روحیه ارتش سایگون نیز بشدت تضعیف شده بود. شاخه حزب در سایگون در تدارک یک قیام توده‌ای بود، که در صورت حمله ارتش خلق و درهم آمیختن با قیام توده‌ای پیروزی کامل تضمین شود.

ارتش خلق نیروهای خود را در ۵ نقطه اطراف شهر متمرکز کرده بود. طرح حمله با این ترتیب بود: "نقطه اصلی برای حمله و تصرف انتخاب شدند. مقرسراسر فرماندهی ارتش سایگون، "کاخ استقلال" مقر سر فرماندهی مخصوص منطقه، مقر پلیس و فرودگاه.

حمله با دیده شکل برق آما انجام گیرد تا ارتش سایگون فلج شود، شیوه حمله استفاده از همه نیروها و منزوی کردن نیروهای دشمن و جلوگیری از عقب نشینی آنها به داخل محدوده شهر بود. نیروهای توپخانه دشمن می باید بلا درنگ نابود شود. نیروهای انقلاب باید بلافاصله به شهر وارد شده، آنها را تصرف کرده و سپس با قیام توده‌های دشمن را در خارج شهر نابود نمایند. نیروهای انقلابی درون شهر واحدهای عملیات مخصوص، نیروهای مسلح حفاظتی و نیروهای دفاع از خود تشکیل داده بودند که می باید سریعاً پلها را تصرف کرده، نیروی ارتش خلق را به شهر هدایت نموده و ضد انقلابیون را خنثی نمایند. آنها وظیفه رهبری قیام توده‌ای در شهر را به عهده داشتند که طرح و نقشه آن در تمام قسمتهای حزبی داخل شهر وسیعاً تشریح شده بود.

سرانجام حمله نهایی ارتش خلق که توسط قیام سازمان یافته به رهبری شاخه حزب از درون شهر تقویت میشد، با نام عملیات هوشی مین آغاز شد و در ساعت ۱۱/۵ روز ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ با برافراشتن پرچم انقلاب بر فراز "کاخ استقلال" سایگون نیز آزاد شد. وبسه منظور بزرگداشت مبارزات هزاران کمونیست که در راه تحقق آرمان طبقه کارگر جان باخته بودند و گرامی داشت

یاد کمونیست بیکر رهبر کهنه کارگران و زحمتکشان ویتنام، بنام هوشی مین نامگذار شد.

آزادسازی مناطق با قیام توده که سرعت برق انجامید، مبارزات کارگران و زحمتکشان ویتنام در سرنگونی رژیم دست نشانده سایگون و انهدام پایگاه آمریکا در این کشور را به سرانجام پیروزمند خود رسانید. در سراسر جهان کارگران و زحمتکشان با پیروزی ویتنام بر آمریکا غرق در سرور و شادمانی شدند و فریاد آشنای کارگران و زحمتکشان ویتنام روز اول ماه می را به نشانه همبستگی با کارگران سراسر جهان جشن گرفتند، اکنون در راه پیروزی اولین گام اساسی برداشته شده بود. گام بعدی تلاش برای استقرار سوسیالیسم بود. با برداشتن این گام سوسیالیسم پیروزی جدیدی در جهان بدست میآورد، و ارتجاع جهانی را بموازات این پیروزی به عقب میراند. اما برای تحقق پیروزی کامل انقلاب باید خرابیهای راکه بر اثر ۳۰ سال سرکوب ملطه گرانه امپریالیستها بر ویتنام تحمیل شده بود، ترمیم میکرد نتیجه این خرابیها تنها یک میلیون معلول جنگی و هشتصد هزار کودک بی سرپرست، نیم میلیون بیکار یک میلیون بیوه بود. در اثر دهها سال نفوذ تجار و کارانه امپریالیسم و پایگاه داخلی اقتصاد جنوب ویتنام نیز در معرض نابودی قرار گرفته بود و خود را، در انهدام هزاران روستا تلاشی سیستم کشاورزی و از بین رفتن کلیه راهها و خطوط ارتباطی نشان میداد. انهدام هزاران موزه درمانی و آموزشی نیز برداشته مشکلات بسیار میافزود. انقلاب با طلب قدرت سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار و نابودی نظام ارتجاعی - بوروکراتیک و ترمیم این همه ویرانی اولین قدمها را برای استقرار ساختمان سوسیالیسم برداشت.

کارگران و زحمتکشان ویتنام پس از دهها سال مبارزه خونین و قهرمانانه، تحت رهبری حزب کمونیست سرانجام دمکراسی و سوسیالیسم را در ویتنام متحد تحت نام "جمهوری سوسیالیستی ویتنام" برقرار ساختند.

## پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد

### یا منجلا برفرمیستی راه کارگر؟

کرد تحت رهبری طبقه کارگر بنهسان سازد. راه کارگر همین چند ماه پیش مانند هرناسیونالیست بورژوازی که از مسئله ملی بمشابه وسیله‌ای برای سازش طبقاتی اقشار و طبقات مختلف در جهت منافع خود سود می‌جوید، اعلام کسرد:

"مسئله ملی همچون سیمانی است که طبقات مختلف خلق کرد را به هم پیوند می‌زند" (ریگای کریکار شماره ۲۵، ص ۱۸)

"مامکوبیم نباید جنبه ملی را ممنوعا به جنبه طبقاتی غلبه داد، آنرا تحت الشعاع جنبه طبقاتی قرار داد" (ریگای کریکار شماره ۲۴، ص ۱۲)

بی‌طبق نظر راه کارگر پرولتاریا نیز برای از هم نکستن پیوندها طبقات مختلف خلق کرد نباید به سیاستهای مستقل خود دست یازد و باید مبارزه طبقاتی را نفی کند که مبادا "جنبه ملی را تحت الشعاع جنبه طبقاتی" قرار دهد. چراکه جنبش، جنبشی ملی است و هژمونی آن نیز با بورژوازی است، برای جلوگیری از خدشه‌دار شدن این اتحاد ملی هم باید به اراده قدرت فاشه این جنبش نیز گردن نه‌سازد.

نتیجه تبیی همین تفکر است که امروزه نیز راه کارگر در جهت ارسین بردن ضعف اساسی این جنبش یعنی پراکندگی نیروهای سیاسی فعال آن از طریق "اشتلائی از نیروهای وفادار به حل دمکراتیک مسئله ملی خلق کسرد" تلاشهای جدیدی را آغاز نموده است. برای راه کارگر که هیچوقت مسئله با چه کسانی، بر سر چه اهدافی و ناکجا می‌توان وحدت کرد و اساسا برنامه و پلانفرم انقلابی مطرح نموده است، برای شکل گیری اشتلائی مورد نظرش صرف "وفاداری به حل دمکراتیک مسئله ملی خلق کرد" کافی می‌باشد. هرچند راه کارگر کوشیده است که از هژمونی جریان با طبقه خاصی در این اشتلائی مثنی سیمان نیارود. اما با گفتن اینکه "جنبش خلق کرد برای دست یابی به رهایی خود باید بتواند بیشترین نیروی وفادار به حل دمکراتیک مسئله ملی را با یکدیگر

متحد نموده و بیشترین پیوند با نیروهای وفادار به این امر را برقرار نماید". (ریگای کریکار شماره ۲۲، ص ۱۵) روشن می‌سازد که هژموسی این اشتلائی نیز در دست نیروهای غیر پرولتری غالب برجش خلق کرد قرار خواهد گرفت. چراکه وقتی راه کارگر بطور کلی از جنبش خلق کرد بعنوان محور این اتحاد صحبت می‌کند، هدفی جز بیان شرمگینانه حرفهای کهنه شده خود مبنی بر "حضور حزب دمکرات بمشابه حزب ملی در جنبش دمکراتیک خلق کسرد" نداشته و بدین وسیله ناشیانه خواسته است که "حزب ملی" مطلوب خود را که تا کنون به بهانه تقدم مسئله ملی بر مسئله طبقاتی به دنباله روی از آن پرداخته است، در پس عبارت کلسسی "جنبش خلق کرد" مخفی سازد.

اما واقعیتهای موجود جامعه گردستان برخلاف ذهن عقب مانده راه کارگر و تزه‌های سازشکارانه و فرمیستی‌اش، نه تنها زمینه‌ای برای ایجاد چنین اشتلائی لیبرالی را در بر ندارد، بلکه وحدت رزمنده نیروهای انقلابی را بیش از هر زمان دیگری می‌طلبید.

جنبش انقلابی خلق کرد بمشابه جزئی از جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک سراسر ایران نمیتواند تنها یک جنبش ملی باشد، جنبش خلق کرد جنبشی ملی طبقاتی است که برای نابودی هرگونه ستم و بخصوص ستم ملی در سراسر گردستان ریشه دوانیده است. کارگران و زحمتکشان گردستان امروزه از آنچنان آگاهی برخوردار گشته‌اند که از بین بردن ستم مضاعف طبقاتی - ملی را در ارتباط با نابودی مناسبات استثمارگرانه و ارتجاعی حاکم بر جامعه بدانند. آنها نه تنها برای حل مسئله ملی بلکه برای تغییر و تحولاتی اساسی و اعمال حاکمیت کارگران و زحمتکشان در جامعه مبارزه میکنند. وحدت و اشتلائی نیروهای سیاسی نیز در بستر این واقعیت عینی امکان پذیر است و اشتلائی مورد نظر راه کارگر مانند هر اشتلائی بورژوا لیبرالیستی دیگری سرنوشتی جز سرنوشت شوروی

ملی مقاومت را نخواهد داشت. ضرورت اتحاد مبارزاتی و وحدت رزمنده نیروهای انقلابی در شرایط کنونی جنبش انقلابی خلق کرد که هر روز دامنه گسترده‌تری می‌یابد بر هیچکس پوشیده نیست. اما این اتحاد نمیتواند تنها بر اساس "وفاداری" نسبت به حل دمکراتیک مسئله ملی شکل بگیرد. این اتحاد باید بیانگر عمیق ترین پیوندهای مبارزاتی خلق ستمدیده کرد با توده‌های زحمتکش سراسر ایران و تجسم اراده واحد آنان در یک راستا و جهت واحدی باشد. این اتحاد تنها حول پلانفرمی که در چارچوب برنامه حداقل پرولتاریا تنظیم شده باشد امکان پذیر است. تنها اتحاد و اشتلائی نیروهای انقلابی حول اهداف زیر با سخگوی یکی از ملزومات عینی این مرحله از جنبش کارگران و زحمتکشان که جنبش خلق کرد نیز وجه تفکیک نا پذیری از آن است می‌باشد.

- ۱- سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت انقلابی.
- ۲- انحلال تمامی ماشین نظامی بوروکراتیک دولتی موجود و تسلیح عمومی خلق و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌ها از طریق شوراهای
- ۳- جدایی کامل دستگاه مذهب از دولت.
- ۴- حق ملت‌های تحت ستم ایران در تعیین سرنوشت خویش.
- ۵- انشاء کلیه قرار دادهای اسارت‌ناز امپریالیستی، ملی کردن تمام صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، ملی کردن تجارت خارجی و موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.
- ۶- ۴۵ ساعت کار، دویروز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل بدون عنوان یک خواست عمومی کارگران.
- ۷- برقراری کنترل کارگری بر تولید و کنترل توده‌ای بر توزیع.
- ۸- ملی کردن کلیه اراضی، مراتع، منابع طبیعی و زیر زمین و ضبط نوری اراضی و املاک زمینداران بزرگ و واگذاری آنان به دهقانان و لنینو کلیه دیون و بدهی دهقانان به دولت، بانکها، سرمایه‌داران، ملاکین و رباخواران.

اما پورتو نویسم راه کارگر به او

## پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گرو چیست؟

کرد در مقایسه با مردم سایر مناطق ایران نیز از نظر رشد درجه سواد عقب‌نگه داشته شده است، تحمیل آموزش بزبان فارسی بجای زبان اصلی خلق کرد، امر کسب سواد را برای کودکان و نوجوانان کرد مشکل کرده است. اما بر خلاف نظر حزب دمکرات که رشد آگاهی مردم کردستان را نتیجه روابط جدیدی که "سرمايه‌داری نوپا" ایجاد کرده است، قلمداد میکند آنچه در ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و دانش مبارزه توده‌ها نقش اساسی دارد، تبلیغ و ترویج مسائل دمکراتیک و سوسیالیستی توسط نیروهای انقلابی و پیشرو همراه با کسب تجربیات عینی و عملی خود توده‌ها در روند مبارزاتشان می باشد که تاثیر مبارزات زحمتکشان سایر مناطق و اشتغال تجارب آنها موجب تعمیق هرچه بیشتر آگاهی سیاسی توده‌های کرد میگردد. بخش دیگر استدلالهای حزب را برای پیروزی این بار جنبش "محبوبیت پیشمرگان در برابر خلق کرد" تشکیل میدهد. بدین وسیله حزب دمکرات با تاکید یکجانبه بر محبوبیت پیشمرگان در برابر خلق کرد، رابطه ارگانیک مبارزات پیشمرگان با زحمتکشان کردستان را نفی کرده است. "محبوبیت پیشمرگان" در ارتباطی شناختنگ با ارتقاء سطح آگاهی توده‌ها و نقش سازمان‌نکرانه و رهبری اصولی و انقلابی مبارزات زحمتکشان توسط نیروهای انقلابی قرار دارد. مبارزات تهرمانانه پیشمرگان خلق کرد ناشی از جنبش انقلابی زحمتکشان کردستان است که هرچه این جنبش تحت رهبری انقلابی رشد و گسترش و تعمیق یابد، پیوند بین توده‌های زحمتکش کردستان با پیشمرگان انقلابی عمیق تر شده و بر مبارزات پیشمرگان نیز از نظر کمی و کیفی تاثیر مستقیم خواهد گذاشت. بطورکلی آنچه ادامه و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد را تضمین میکند، تا مین رهبری انقلابی برجسته و سازمان‌یابی و تشکیل زحمتکشان در ارگانهای توده‌ای و دمکراتیک و ارتقاء سطح آگاهی آنها با تبلیغ و ترویج نیروهای پیشرو می باشد، اموری که

کردستان آگاه شده‌اند... اما معلوم نیست "سرمايه‌داری نوپا" چهارمفانی برای خلق ستم‌دیده کرد داشته است؟ کدام شکل رفاهی، فرهنگی و اجتماعی را برای ملت کرد حل کرده است؟ هرچند که از نظر تاریخی سیستم سرمايه‌داری نسبت به نظامهای ماقبل خود، نظامی متکاملتر است، اما آیا این "سرمايه‌داری نوپا" ستم‌ملی خلق کرد را محو کرده است؟ فقر و فلاکت عمومی و عقب ماندگی زندگی زحمتکشان کردستان را از بین برده است؟ آزادی، دمکراسی و رفاه برای خلق کرد فراهم کرده است؟ بقایای نظام فئودالیسم و ظواهر عقب ماندگی و فرهنگ ارتجاعی آنرا درهم نوردیده است؟ جواب اینست: نه! "روابط جدید سرمايه‌داری نوپا" ادعایی حزب دمکرات نیز برای زحمتکشان کردستان، بجز استثمار و ستم، دیکتاتوری و خفقان سرکوب و فقر و فلاکت هیچ دستاورد دیگری نداشته است. "سرمايه‌داری نوپا" مورد نظر حزب دمکرات نه تنها نخواسته و نتوانسته است قاطع و انقلابی مبارزه را علیه مناسبات پوسیده فئودالی به پیش برد بلکه هنوز هم حفظ بقایای همین مناسبات را بعنوان مانع اساسی رشد و تکامل اجتماعی در کردستان در جهت حفظ منافع خود لازم دارد. "سرمايه‌داری نوپا" نه تنها حقوق دمکراتیک خلق کرد را نخواسته است به رسمیت بشناسد بلکه به وحشیانه ترین شکلی عامل تداوم هرگونه بی حقوقی و از جمله ستم ملی نیز می باشد. اما این مسائل توجه حزب دمکرات را بخود جلب نمی کند، آنچه مورد دفاع اوست همانا "رابطه جدید" استثمارگرانه ناشی از "سرمايه‌داری نوپا" است. حزب دمکرات وجوه تمایز دیگری نیز بین جنبش کنونی خلق کرد با جنبشهای گذشته قائل است؛ رشد درجه باسوادی و افزایش تعداد دبیلیمه‌های شهرهای کردستان و "محبوبیت پیشمرگان در برابر خلق کرد" که آنها را جزو عوامل پیروزی به حساب آورده است. البته ارتقاء سطح سواد توده‌های مردم، در کسب آگاهی سیاسی و پیشبرد آگاهانه مبارزه عامل مثبتی است، اما به تنهایی کافی نیست. هرچند که تحت فشار سیاست‌های شوونیستی رژیمهای حاکم، خلق مبارز

حزب دمکرات بنا بر ماهیت طبقاتی خود نمیتواند توجهی به آنها داشته و تجربه هفت ساله مبارزات خلق کرد از قیام تاکنون و عملکردهای حزب طی این پروسه دقیقاً آنرا آشکار میسازد. حزب دمکرات در این گفتار رادیکالی طبق معمول همیشگی اش، خود را تنها رهبر جنبش خلق کرد محسوب کرده و کوشیده است چنین وانمود سازد که این بار جنبش خلق کرد تحت رهبری حزب دمکرات پیروز خواهد شد. حزب دمکرات میگوید: "علاوه بر اینها پیروزی هر جنبشی به مواضع و سیاستهای سازمانی بستگی دارد که جنبش را رهبری میکند. مبارزه برای رفع ستم ملی بمثابة عمده‌ترین تضاد بین حکومت مرکزی و مردم کردستان کوشش در راه تحقق عقاید زحمتکشان، طرح خواسته‌های جامعه کردستان مواضع و محتوای سیاستهای حزب دمکرات کردستان ایران را تشکیل میدهد که... سیاستهای درست و اصولی حزب ما موجب شده است که مردم کردستان از جنبش ملی دمکراتیک خود پشتیبانی کنند." حزب دمکرات با این گفتار کنه اعتقادات خود را آشکار ساخته است. حزب دمکرات پیروزی خلق کرد را در "رفع ستم ملی بمثابة عمده‌ترین تضاد بین حکومت مرکزی و مردم کردستان" با رهبری "کاردان" حزب دمکرات خلاصه کرده و عامدانه از عوامل اصلی پیروزی جنبش خلق کرد کلمه ای نیز بزبان نیاورده است. حزب دمکرات بنا بر ماهیت طبقاتی اش که در واقع از منافع طبقاتی لایه‌های فوقانی خرده - بورژوازی و بورژوازی محلی خلق کرد دفاع میکند و آنرا "کوشش در راه تحقق عقاید زحمتکشان" جا میزند با تمایلات شدید ناسیونالیستی خود میکوشد جنبش خلق کرد را در دایره "رفع ستم ملی" محدود ساخته و از ارتقاء آگاهی طبقاتی زحمتکشان کرد جلوگیری بعمل آورد. ضرورت اجتناب ناپذیر پیوند جنبش خلق کرد با جنبش سراسری خلقهای ایران بعنوان یکی از عوامل اصلی پیروزی خلق کرد، مسئله ایست که حزب دمکرات با هدف محدود ساختن خواسته‌های زحمتکشان کرد در "رفع ستم ملی" همواره در نفی آن میکوشد. محدود کردن خواسته‌های زحمتکشان کرد به "رفع ستم ملی" گذشته از آنکه مغایر با واقعیتهای موجود جامعه کردستان

## پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گروچیست؟

وسط آگاهی شده‌های رحمتکش آنست ،  
امادرواقع بیش از هر چیز وحشت حزب  
دمکرات از ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی  
توده‌های کردستان و تشدید تضادهای  
طبقاتی در جامعه را آشکار میسازد. حزب  
دمکرات برای پیشبرد اهداف طبقاتی  
و ناسیونالیستی خود متکی بر عدم  
رشد و تعمیق تضادهای طبقاتی -  
در کردستان و عدم تعمیق آگاهی طبقاتی  
کارگران و رحمتکشان خلق کرد می باشد .  
بر همین اساس است که حزب دمکرات  
همواره بر سازش طبقاتی میان فئودالها،  
سرمایه داران ، دهقانان مرفه و  
کارگران ، زحمتکشان و دهقانان فقیر  
و تهدیدست کردستان تاکید می نماید .  
نمونه‌های بارز این مسئله ، مقابله  
حزب دمکرات با حرکت انقلابی دهقانان  
برای معادله زمینهای فئودال های  
مرتجع در مناطق مختلف می باشد .  
نیروی ضرورت پیوند جنبش خلق کرد و جنبش  
سراسری زحمتکشان ایران نیز در همین  
رابطه برای حزب دمکرات معنا می یابد .  
هر چند حزب دمکرات با طرح شعار  
"دمکراسی برای ایران و خودمختاری  
برای کردستان" سعی میکند که عدم  
اعتقاد خود را به لزوم برتری  
ارتباط میان جنبش سراسری زحمتکشان  
ایران ببوشاند. اما در واقع این شعار  
مانند کلیه شعارهای دیگر حزب تنها  
برای کسب وجهه و دمکرات نمایی او  
طرح میشود و در عملگردهای حزب نمود  
عینی ندارد. حزب دمکرات با نادیده  
گرفتن بازتابهای عملی مبارزات خلق  
کرد در مبارزات سراسری و نفی تاثیر  
متقابل مبارزات کارگران و زحمتکشان  
سراسر ایران بر جنبش انقلابی خلق کرده،  
بشکل عملی، جنبش انقلابی خلق کرد را  
از مبارزات فدائیسازی -  
دمکراتیک خلقهای ایران جدا کرده  
و در نتیجه همین جدا کردن مبارزه،  
پیروزی جداگانه‌ای را هم برای "جنبش  
خود" متصور میگردد. چگونه است که  
حزب دمکرات در این گفتار رادیوئی از  
انعکاس اخبار مربوط به جنبش خلق کرد  
در خارج از کشور با آفتاب محبت  
میکند اما از انعکاس و تاثیر اخبار  
مبارزات خلق کرد در سراسر ایران سخنی  
هم به میان نمی‌آورد؟ حزب دمکرات در  
این گفتار رادیوئی انحصارطلبی و  
شک نظری خود را آنچنان تعالیسی  
میدهد که واقعیتهای انکارناپذیر

است. نیرو و قدرت حزب و سایر  
جریانات سیاسی نیز بر بستر مبارزات  
خلق کرد توانسته است شکل بگیرد و  
تاثیرات متقابل منفی و مثبت غیرقابل  
انکاری را بر آن به جای بگذارد.

سیاستهایی که حزب دمکرات آنها  
را " درست و اصولی" قلمداد میکند و در  
سایه آنها نیز کسب پیروزی جنبش مورد  
نظر خود را دنبال می نماید کدامند ؟  
و تاثیرات آن بر جنبش خلق کرد چیست ؟  
و اساسا مفهوم پیروزی جنبش از نظر  
حزب دمکرات کدام است ؟

تبلیغ سازش طبقاتی ، ازکانشال  
طرح شعارهایی کلی و بی محتوی مانند  
مبارزه در راه دمکراسی و " تحقق  
عقاید زحمتکشان" و عمده کردن مسئله  
ملی و تلاش برای محدود کردن مبارزه  
خلق کرد متناظر با سیاستی که حفیظ  
ماشین بوروکراتیک - نظامی را در دستور  
دارد. سیاستهای سازشکارانه و مساوات  
- طلبانه با رژیم جمهوری اسلامی و  
اپوزیسیون بورژوازی فدائیسازی و  
فرمیستهای خائن توده‌ای و اکثریتی،  
انحصار طلبی و تنگ نظری و نفی اصول  
ناظر بر جنبش خلق کرد و تبع آن ،  
بحرانی نمودن مناسبات نیروهای  
سیاسی فعال در کردستان، تداوم سیاست  
جنگ طلبانه غیراصولی و غیرمسئولانه  
با کومله، همه و همه سیاستهایی است  
که از طرف حزب دمکرات " اصولی و  
درست" قلمداد میشوند. سیاستهایی  
که مجموعا در جهت تضاد با منافع  
خلق کرد قرار داشته است. سیاستهایی  
که روشن میکند حزب دمکرات نه به  
دمکراسی انقلابی و نه به خودمختاری  
و حق تعیین سرنوشت اعتقاد دارد و نه  
بر پایه تعلقات طبقاتی خود میتواند  
اجازه دهد که حق تعیین سرنوشت و  
" رفع ستم ملی" به معنی علمی کلمه  
متحقق شود .

امروزه دیگر دفاع از مفاهیمی  
کلی چون "دمکراسی" و "انقلاب"  
نمیتواند ماهیت واقعی مدعیان آنرا  
بپوشاند. دمکراسی انقلابی تنها در  
رابطه با اتکا به اراده انقلابی  
توده‌ها معنای یابد و "انقلاب" به  
مفهوم درهم شکستن تمام زمینه‌ها و  
تالوده‌های سلطه امپریالیسم و بر-  
انداختن پایگاه اجتماعی آن . کسی  
دمکرات خوانده میشود که به قدرت

مبارزات خلق کرد را به صورت زیر-  
وارونه قلمداد میکند؛ " سیاستهای  
درست و اصولی حزب ما موجب شده است که  
مردم کردستان از جنبش ملی دمکراتیک  
خود ( بخوان جنبش حزب دمکرات )  
پشتیبانی کنند" گویا این خلق ساز  
کرد نبود که تحت فشار ستم دوگانه  
ملی - طبقاتی و با استفاده از ستم  
و تجارب مبارزاتی خود، دوش به دوش  
خلقهای سراسر ایران علیه رژیم  
ارتجاعی شاه بپا خاستند، پادگانها  
و مراکز نظامی رژیم را تسخیر کرده و  
بایدست گرفتن اسلحه، اداره شهرها  
و روستاهای کردستان را خود به عهده  
گرفتند . گویا این خلق مبارز کرد  
نبود که علیرغم توهم ناآگاهانه  
توده‌های زحمتکش سایر مناطق -  
حاکمیت جدید، با استفاده از تجارب  
مبارزات دیرینه خود، از تحویل  
سلاحهای خود به رژیم امتناع کرده و در  
برابر خلق سلاح عمومی رژیم و در دفاع  
از دستاوردهای انقلابی خود -  
مقابله‌ای خونین برخاستند. گویا این  
خلق مبارز کرد نیست که علیرغم فشار  
و سرکوب و وحشیانه رژیم، هفت سال  
مبارزه بی امان و شکوهمندی را بر علیه  
رژیم جمهوری اسلامی و سردوران  
رنگارنگ آن ، تداوم بخشیده‌اند، گویا  
این فرزندان خلق قهرمان کرد نیستند  
که در صفوف پیشمرگان نیروهای سیاسی  
و از جمله حزب دمکرات دلیرانه در  
برابر یورش مزدوران رژیم مقاومت  
میکند و با عملیات قهرمانانه خود آسایش  
و راحتی را از مزدوران رژیم در سراسر  
کردستان سلب کرده‌اند، اینها  
واقعیتی است از مبارزه خلق کرد که  
حزب دمکرات آنرا تا حد پشتیبانی مردم  
کردستان از جنبش ملی - دمکراتیک  
خود " تحت تاثیر سیاست های " درست  
و اصولی" حزب تنزل میدهد. جنبش  
انقلابی خلق کرد اساسا بر پایه تضاد  
های زحمتکشان کرد با نظام پوسیده  
و ارتجاعی حاکم در جهت نابودی این  
نظام و سرنگونی رژیم مدافع آن و بر-  
قراری حکومتی انقلابی و دمکراتیک و  
کسب حق تعیین سرنوشت خود با گرفته



### پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد درگرو چیست؟

نقش سیاست و خط مئی طبقه کارگر در جنبش انقلابی خلق کرد گشته و این واقعتاً راه اشبات رسانیده؛ مادامکه رهبری پرولتری برجینش انقلابی خلق کرد اعمال نشود این جنبش از دستاوردهای خود بمنظور تحقق پیروزمند خواستهای انقلابی - دمکراتیک زحمتکشان کرد سود نخواهد برد دستاوردهای ارزشمندی که تا کنون با خون فرزندان خلق کرد بدست آمده پایمال خواهد شد.

در سایه یک رهبری توانمندی پرولتری است که جنبش انقلابی خلق کرد عامل هرگونه ستکبری را که همانا نظم بوروکراتیک - ارتجاعی حاکمست بازشناخته و به منظور درهم کوبیدن این نظام، تمامی پتانسیل انقلابی خود را در پیوند با توان رزمی کارگران و زحمتکشان سراسرایران به کار خواهد گرفت.

تاثير مستقیم عدم حضور پرولتری همچنانکه فوقاً اشاره شد نتیجه تبعی خود را بر نیروهای سیاسی محلی کردستان با لایحه برسیاستهای حزب دمکرات بر جای نهاد. حزب دمکرات به علت عدم حضور فعال سازمان مادر جنبش انقلابی خلق کرد با عدول از طرح ۲۶ ماده ای هیات نمایندگی خلق کرد (که با توجه به شرایط ارائه این طرح مورد توافق سازمان بود) و محدود کردن خواست هیات نمایندگی خلق کرد به طرح ۶ ماده ای خود اولین قدمها را در جهت تحقق منافع اش و نزول خواستهای انقلابی خلق کرد برداشت. حزب این منزلت زاینده را به هنگام پیوستن به ائتلاف بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت به شکلی چاره ناپذیرتر به نمایش گذاشت. وقتی حزب دمکرات در نتیجه پیوستن به شورای ملی مقاومت از خواست خودمختاری ادعایی خود در طرح ۶ ماده ای نیز عدول کرد و به خودمختاری محدود منطقه ای رجوع - بنی صدر (همان خودگردانی لیبرالهای

خلق و ارگانهای اقتدارتوده ای ایمان داشته باشد و منافع اکثریت مردم را در نظر بگیرد و نه منافع اقلیت را. دمکرات به کسی اطلاق میشود که علیه هرگونه تسلط امپریالیسم و بقایای نظام کهنه ارتجاعی مبارزه کند و از سوسیالیسم و قدرت طبقه کارگر وحشت نداشته باشد، انقلابی نیز به کسی اطلاق میشود که خواستار تئیبیرو و تحولات بنیادی در جامعه و درهم شکستن هرچیز کهنه و ارتجاعی به قطعی ترین شیوه ممکن باشد. انقلابی کسی است که در جهت تحقق اهداف انقلاب و وظایف آن با تمام توان بکوشد و بیکار ننماید. بنا بر این اقدامات و عملکردهای غیر اصولی و غیر مسئولانه حزب دمکرات و سازشکارانها و معاشات طلبی های اوباش جریانات ضد انقلابی، تحت لوای هر شماری که صورت بگیرد نه دمکراتیک است و نه انقلابی.

پیروزی مورد نظر حزب نیز شاهد دیگری است بر این مدعا. پیروزی که با حفظ ماشین دولتی بورژوازی که حزب دمکرات یکبار آنها در زیر علم رجوعی - بنی صدر آزمایش کرده بود، منتهی این بار پیروزی مطلوب حزب دمکرات با نزدیکتر شدن به جناحهایی در درون هیات حاکمه موجود قابل حصول خواهد بود.

جنبش انقلابی خلق کرد خود بسا سابقه طولانی تاریخی ثابت کرد که دلیل اصلی عدم موفقیت این جنبش اعمال رهبری جریانات غیر پرولتری بر آن بوده است. و از سویی دیگر نمونه تاریخی دیگری که تاثيرات رهبری یک جریانی مارکسیست - لنینیست را بر جنبش به عینه آشکار ساخت، حضور فعال سازمان ما در جنبش خلق کرد بود که در همان محدوده زمانی کوتاه بعد از قیام تاثير حضور یک سازمان مارکسیست - لنینیست قدرتمند را بر کل روند این جنبش و اشکال مبارزه و خواستهای آن بر جای گذاشت، برهنگی یونیده نیست غلبه رفرمیسم بر کمیته مرکزی سازمان که منجر به اشکاف نقش انقلابی سازمان ما به مثابه تنها سازمان قدرتمند مارکسیست - لنینیست بر جنبش انقلابی خلق کرد گردید موجب تضعیف

زمان بازگان) به عنوان اقدامی اساسی کردن نهاد. این واقعتاً که در اثر عدم اعمال رهبری پرولتری بر جنبش خلق کرد دستاوردهای پر ارزش این جنبش پایمال سازشهای مصلحت گرایانه ای خواهد گردید که برچمدارش حزب دمکرات است را آشکارتر ساخت. این وحدت نه تصادفی بود و نه بر اساس وسعت و کثرت نیروهای مجاهدین خلق، بلکه صرفاً حرکت از موضع نزدیکترین تمایلات طبقاتی مطلوب حزب دمکرات با سیاستهای بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت که آشکارا از حفظ ماشین دولتی بورژوازی دفاع میکنند، تا آنجا حزب دمکرات را محور خود ساخت که حتی از اصلی ترین خواست ادعایی خود نیز که همان خودمختاریست با زمانند و ثابت کرد به خودمختاری - مورد ادعایش نیز کمترین اعتقادی ندارد. رهوس برنامه ای محبوبات کنگره حزب دمکرات، در همین مقطع پیوستن به شورا، شاهد زنده این بیان است. به این دلیل که؛ (شورای ملی مقاومت اتهام تجزیه طلبی را از برنامه حزب دمکرات زدوده است) حزب دمکرات این برنامه شورای ملی مقاومت را بعنوان یک نکته مثبت ارزیابی میکند تا حدی که حزب دمکرات از یاد میبرد جلاذ خلق کرد (بنی صدر) بعنوان یکی از پاهای اصلی شورای ملی مقاومت نفوذ ارتجاعی را بر شورای ملی مقاومت مسئولی کرده است. و با قوم خطاب کردن خلق قهرمان کرد منکر تمامیت تاریخی این ملت است. حزب دمکرات با پذیرش این طرح در واقع سرنواشتن پیشمرگان خلق کرد را به فراموشی سپرد چراکه در این طرح بورژوازی نه تنها به ارگانهای اقتدار تسسوده ای اشاره ای نشده بلکه به نیروهای مسلح کنونی خلق کرد یعنی نیروی پیشمرگه نیز توجی نکرده و نامی از آن برده نشده است. حزب دمکرات با پیوستن به ائتلاف بورژوا - لیبرالی شورای ملی مقاومت جایگاه پرافتخار خلق کرد، در کناکش این مبارزه درخشان را - دیده گرفته و به لکه دار کردن این اعتبار تاریخی پرداخت، اقدامی که، در صفحه ۱۷

### رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

درافتای

مطالعه گران چهره بورژوازی

کرده و روشن تر از قبل محتسوات دیدگاه حزب را بر ملا میازند. شاید حزب دمکرات برای مخاطبین ویژه ای اینچنین کلی، مبهم و نامشخص از "دمکراسی" و "آزادی" سخن میگوید. مخاطبینی که همین برایشان کافی است و بدان خو گرفته اند، اما هیچ کس نمیتواند توده های انقلابی را با همین معیار و در همین سطح مورد خطاب قرار دهد و باید بگوئیم حقیقتا حزب دمکرات در تصور باطلی بسر میبرد.

هر کس اگر مدتی در شرایط متلاطم سیاسی ایران و دوران انقلابی سالیهای اخیر زندگی کرده باشد براحتمی مضمون و محتوای و مفاهیم مورد بحث حزب را درک خواهد نمود. هر زحمتگشی و لبر با اندک آگاهی در مقابل گفتار رادیویی حزب دمکرات، از خود خواهد پرسید، آیت الله صاحب "نفوذ" بر اساس چه معیاری دمکرات و آزادیخواه شد؟ مضمون "دمکراسی" و "آزادیهای" مورد نظر او چه بود و در خدمت چه اهدافی قرار داشت؟

اما حزب دمکرات برای ایجاد مقبولیت و تقدیس یک مرجع دینی، دفاع از "دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک" را بیک گش نام شریعتمداری میگرداند و باین عمل خود آشکارا به چشم شونده های مردم خاک می یابد.

حزب که اینگونه با ارج گذاری به دمکرات منشی و آزادیخواهی عناصری امثال شریعتمداری به توهم پراکنسی حول آنان می پردازد و لابد اینرا هم جزئی از وظایف دمکرات منشی و آزادیخواهی اش تصور میکند، چه مناسبتر، که حزب پیشاپیش حق دیگر "شخصیتهای بزرگ"، "مقامات عالی" و دارای "نفوذ" را قبل از آنکه در جنگ خانگی دامنگیر کینه جوئی و خودکامی خمینی نگردیده اند و از منسوب و "مقام مرجعیت" عزل ویا خود مرحوم نگشته اند نیز ادا نماید!!

اینچنین است که حزب دمکرات از سویی با اشاعه توهمات واهی نسبت به نوعی از "دمکراسی" که مختص شریعتمدارینها و همپالگی هاییش

می باشد تلاش میکند تا ضمن مشغول داشتن ذهن توده ها، مدافعه خود را از این نوع دمکراسی در انظار، عسادی و برحق جلوه دهد و برای همتاویی با دیگر طرفداران این "دمکراسی" اعلام آمادگی نماید.

اما بیدگفت شایده حزب دمکرات هنوز هم توده های مردم را نا آگاه می انگارد، اگر فرض هم چنین باشد این بار نیز، این حزب دمکرات است که بنا بر منافع خود عامدانه چشم بر روی واقعیات سیاسی جامعه ایران می بندد و خوش خیالانه حرفهای کهنه شده ای را بزبان میراند.

حزب دمکرات باید بدانند که سیر تحولات سیاسی در سالهای اخیر در سهای بسیاری به توده های مردم آموخته است. امروز بارش و ارتقاء سطح آگاهی زحمتکشان جامعه، دوران هرگونه توهم زاشی بسر رسیده، تجربیات سخت زندگی بتوده های انقلابی اثبات کرده است که زود باوری ناشی از عدم آگاهی وسطجی نگری چه مآثیری را برای آنها ببار خواهد آورد. این واقعیتی است که خواست برقراری دمکراسی و آزادی به خواست بسیاری از نیروهای اجتماعی مبدل گشته است.

کارگران و زحمتکشان طالب تحقق دمکراسی و آزادی هستند، بسورژوا- لیبرالها و حتی بورژوازی منلسوب و سلطنت طلبان نیز داعیه برقراری "دمکراسی" در سر میپرووراندند. اما در ایران نیز بمانند هر جامعه طبقاتی دیگری با تفکیک مفاصلی نیروهای اجتماعی، خواست "دمکراسی" و آزادی نیز مانند هر مقوله سیاسی، بر اساس منافع طبقات و اقشار جامعه در اشکال مختلفی از هم تفکیک و متمایز گشته است. پس روشن است که همونسی و تکرار یک شعار بیان منافع متحد همه اقشار و طبقات ( چیزی که حزب دمکرات برای تحقق آن به سر میگوید ) نیست و هرگونه طرح دمکراسی در مفهوم کلی و عام آن جز مخدوش ساختن مرز نیروهای انقلاب و ضد انقلاب چیز دیگری نیست.

بی تردید حزب دمکرات از روی نابخردی و عدم آشنایی با مبانی سیاسی این مهم را مسکوت نگذاشته است. اگر حزب دمکرات نبستی نداشته است، پرسیدنی است کدام نیروی سیاسی بخود

اجازه میدهد از تملقات طبقاتی خود دست شسته و به تبلیغ مواضع چریکان سیاسی دیگری بپردازد؟ کدام نیرویی است که خود را "دمکرات" و "انقلابی" بخواند و بجای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و بجای دفاع از دمکراسی حقیقی که بیانشگر حاکمیت توده های انقلابی است، دمکراسی کاذب و ریاکارانه شخصیتهای مذهبی امثال شریعتمداری را در مقابل "استبداد" خمینی علم کند؟

اما هیچ جایی برای تعجب وجود ندارد. این بندبازیها محصول آموزش در مکتب بورژوازی است. شکی نیست که حزب دمکرات بخوبی نیروهای اجتماعی و تملقات سیاسی آنان را از یکدیگر تمیز میدهد و میگوید:

" میتوان وی (شریعتمداری) را میانرو (بخوان محافظه کار و لیبرال) حساب کرد."

روشن شد!؟ آشکار تر از این نمیتوان از عناصر "میانرویی" همچون شریعتمداری و دمکراسی و آزادیهای مورد نظر آنان دفاع کرد. مبارزه طبقاتی بخوبی آموخته است که هر جریان سیاسی بر اساس منافع طبقاتی خود به موضعی حول مسائل جامعه بپردازد و موضعی حزب دمکرات نیست به شریعتمداری نیز طبق همین قاعده کاملاً از روی حساب بوده است و قبل از اینکه احساسات رهبران حزب دمکرات از مرگ یک "مرجع عالی" - مقام "جریحه دار کرده تملقات طبقاتی حزب دمکرات او را بدفاع از دمکراسی شریعتمداری واداشته است و به نظرات سیاسی آیت الله مرحوم مجذوب گردانیده است.

مگر میتوان به جز تفاوتیهای صوری، دمکراسی حزب دمکرات را از دمکراسی شریعتمداری تفکیک نمود. تفاوت بین دمکراسی حزب دمکرات با دمکراسی شریعتمداری فقط در چه طایفین و " طرفداران" آن است. اگر در مقطع نیام شکوهند ۲۲ بهمن پس از سالها رکود سیاسی توده های انقلابی مبارزه برخاستند و در آخرین روزهای حیات شنگین شاه، دسته ای از لیبرالها، امثال بازرگان در میبان اوهام و نایابوری شده ها بر سر قدرت نشستند و اگر با وعده دمکراسی



## درافضای

### مناظره گران چهره بورژوازی

توده بی شکلی از مردم مدتی بدنبال شریعتمداری روان گشتند، حزب دمکرات مطمئن باشد در متن دوران انقلابی کنونی، وضعیت طبقات، اقشار و کلیه نیروها در مقایسه با سالهای قبیل بسیار تغییر کرده است. توده‌ها در مقابل تکرار وعده‌های دروغین بورژوازی - ها، مبنی بر اعطای آزادی و دمکراسی و مواجه مستقیم با ارتجاع سیاسی بیدار گشته‌اند. دیگر هیچ نیروئی از طریق تبلیغ شعارهای کاذب صاحب "نفوذ" را اعتبار نخواهد گشت، چراکه توده‌های آگاه دیگر فریب وعده‌های دروغین را نخواهند خورد و جز به نیروهای حقیقتاً دمکرات و انقلابی که دفاع سرخخانه از خواستها و اهداف انقلابی توده‌ها را در صدر وظایف خود قرار داده‌اند و در عمل نیز آثرابه اثبات رسانیده‌اند، به هیچ نیروی دیگری اعتماد نخواهند کرد.

همانطور که در بالا ملاحظه شد، علاوه بر اینها، اگر امروز حزب دمکرات شیفته "نفوذ" شریعتمداری گشته است، خود نیز میدانند که در آن ایام شریعتمداری با وعده دمکراسی به عوام فریبی پرداخت و بخشی از کسبه، زحمتکشان شهری و دهقانان ناآگاه تنها به "نیروی سنت عادت کور کوران" آویختن به رسومات و کهنه‌ها" و به این دلیل ساده توهمات مذهبی فریب عنصر "لیبرالی" را خورده و بدنبال او روان گشتند.

اما حزب دمکرات بدانند که کارگران و زحمتکشان طی مبارزات چند ساله خود به تجربه دریافته‌اند که "لیبرالیتهای" امثال شریعتمداری همانقدر که با سران ارتجاع حاکم درگیر "اختلافات فاحش در خلق و خو و نظرات سیاسی و مذهبی" گردیدند، حد چندان از جنبش انقلابی توده‌ها حراس داشتند و از همینرو بود که تمایلات مبارزاندسی آنها در سازش با نظام حاکم و دفاع از بسیاری پایه‌های آن کار راسه و رشکتنکی سیاسی آنها کشانید و هر کدام تا توانی ذاتی و ست عمری خود را در انظار نشان دادند و بالاخره،

شریعتمداری نیز سر برآستان خمینی شایند و تزلزل خود را با اثبات رسانید. حزب دمکرات در رابطه با این واقعتاً انکارناپذیر که دیگر حاشای آن رسوایی آور است، چنین گفت: "بالاخره بعد از حملات مکرر و توهین - های متعدد توسط افراد شناخته شده‌ای چون خلخال آیت‌الله شریعتمداری را مجبور به عذرخواهی و تقاضای بخشودگی از خمینی کردند"

متوجه شدید دفاع محافظه کارانه و جانبدارانه چگونه است! واقعاً اگر حزب دمکرات کسی جرات بخود میداد از این هم فراتر، برای جعل شخصیتها و اثبات دعوی خود به چشم‌پبندی!! نیز توسل می جست.

حزب دمکرات که با دفاع از شریعتمداری در واقع در پی مطلوبش از دستگاه مذهبی برآمده است میگوید: "شریعتمداری موافق دخالت بیش از اندازه شخصتهای مذهبی در امور کشورداری نبود." برای کسی که قصد قلب حقایق را نداشته باشد، منظور حزب پرو واضح است. حزب با صحنه گذاشتن بر این نظر شریعتمداری خود خواهان مداخله شخصتهای مذهبی "نه" بیش از اندازه بلکه "به اندازه" در امور کشور داری است. آیا یک نیروی واقعاً دمکرات و انقلابی ممکن است که به عوض افشای بیرحمانه این ضد دمکراسی تلاش کند تا آنرا بنام "دمکراسی" و "آزادی" به خورد توده‌ها بدهد؟ همین فاکتور محتوای دمکراسی مورد نظر شریعتمداری را که بزبان حزب دمکرات جاری گردید و تاکنون این همه بر آن صحنه گذارده شد را عیانتر می نمایاند. راستی چه تفاوت بنیادی بین کشورداری شریعتمداری با کشورداری خمینی میتواند وجود داشته باشد؟

مگر کسی در زیر ستم جمهوری اسلامی سرسورده باشد تا از خود سؤال کند: آیا در کشوری که "مراجعه تقلید" و شخصتهای بزرگ دینی صحنه گردان اصلی امور هستند مفهوم آزادی چیست؟ مگر کسی فشار دیکتاتوری، زندان و شکنجه و کشتار را بر پشت خود احساس نکرده باشد تا از خود بپرسد، برآستی آن دمکراسی که در عقید دین و مذهب بنا شده، آزادی را چگونه تضمین میکند؟ اما توده‌های ستمدیده ایران یکبار برای همیشه پاسخ این سئوالات را زیر

حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی تجربه کرده‌اند. هنگامیکه دستگاه دینی با دولت ادغام گشته و یک دولت مذهبی بر مقدرات توده‌ها حاکم میگردد، اشتری از آزادیهای سیاسی برجای نمی ماند، حتی عقب مانده ترین قشر توده‌ها نیز فهمیده‌اند هر حکومت مذهبی دشمن آزادی و دمکراسی است.

توده‌ها به تجربه دریافته‌اند تا هنگامیکه قدرت در دست سرمایه داران قرار دارد، ارتجاع سیاسی بمثابه روستا سیاسی جامعه جایی برای شعارهای آزادیخواهانه و دمکرات - منشا "لیبرالها" باقی نمیگذارد، با این وجود اگر چنانچه حرفی هم از "دمکراسی" در میان باشد قطعاً شامل حال زحمتکشانی که بر آنان دیکتاتوری روا میشود، نمیکرد.

توده‌ها در عمل دریافته‌اند، "لیبرالیتهای" امثال شریعتمداری هنگامیکه برای انحراف مبارزه انقلابی مردم و رودست زدن به رقیبان خود با استفاده از نارضائی عمومی به شعار "دمکراسی" و "آزادی" توسل میجویند، آنها اساساً جز آزادی استثمار، آزادی غارت بی حد و حصر و آزادی تحکیم مناسبات سرمایه داری، چیز دیگری را مد نظر ندارند و ما هیتا دشمنان و خائنین به دمکراسی و آزادی واقعی هستند.

اما حزب دمکرات را اصلاً کاری به اینها نیست، او بنا بر درک محدود و محلی خود هر کجا مطلوب را بیاید حلقه راهمانجامی چسبد.

مگر همین حزب دمکرات نبود که برای نزدیکی با مجاهدین دفاع از آنان را یک وظیفه "ملی و میهنی" قلمداد نمود و در هنگام ائتلاف سیاسی با شورای ملی مقاومت، حتی به شعار خود منی بر "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" نیز پشت پا زد و بنام "حزب رهبر خلق کرد" در مقابل شعار برقراری "جمهوری دمکراتیک اسلامی" مجاهدین سر فرود آورد و با پذیرش برنامه ضد دمکراتیک "دولت موقت برای خودمختاری کردستان بیای طرحی امضاء زد که منایر با منافع و آرمانهای سیاسی - تازیخی توده‌های ستمدیده کردستان است.

دیروز که حزب دمکرات از "جمهوری دمکراتیک اسلامی" مجاهدین در صفحه ۸



## بمناسبت سیزدهمین سالگرد شهادت

### فدائی خلق رفیق مرضیه احمدی اسکونی

## افتخار



من مادرم ،  
من خواهرم ،  
من همسری مادقم  
من یک زنم ،  
زنی از دهکوره‌های مرده جنوب ،  
زنی که از آغاز ،  
با پای برهنه ،  
دویده است سرتاسر خاک تف‌کرده‌ی  
دشت‌ها را ،  
من یک زنم ،  
زنی که مرادف مفهومیست  
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما  
وجود ندارد ،  
که دستهایش بسپند  
قامتش ظریف ،  
که بویش لطیف ،  
و گیوانش عطرآگین باشد ،  
زنی که در سینه‌اش دلی ،  
آکنده از زخم‌های چرکین  
خشم است ،  
زنی که در چشمانش ،  
انعکاس گلرنگ گلوله‌های آزادی  
موج می‌زنند ،  
زنی که دستانش را کار ،  
برای گرفتن سلاح پرورده است ،

مرضیه احمدی اسکونی

### پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد در گروچیست؟

زحمتکش کرد با تجارب غنی مبارزاتی و آگاهی ای که طی دوران هفت ساله متلاطم مبارزه بی امانشان علیه رژیم ستگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی کسب کرده‌اند، این بار اجازه نخواهند داد که جریان‌های غیرپرولتری جنبش‌آنان را وجه المصلحه منافع طبقاتی خود سازند ، و دوش بدوش کارگران، و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران در جهت رسیدن به پیروزی قطعی از پسای نخواهند نشست .

از رشد سطح مطالبات انقلابی توده‌های زحمتکش کرد خواهد شد. چیزی که مطلوب حزب دمکرات است و تنها در سایه آن میتواند به پیروزی مورد نظر خود که همانا برسمیت شناخته شدن از جانب دولت مرکزی است برسد. اما علیرغم همه تلاش‌های حزب دمکرات ، توده‌های

حتی نه تنها با مخالفت خلق کرد بلکه با مخالفت پیشمرگان حزب دمکرات نیز مواجهند .  
طبیعی است در غیاب سازمانی مارکسیست - لنینیست که بتواند اراده قدرتمند طبقه کارگر ایران را بر جنبش خلق کرد مسلط نماید ، نقش جریان‌های ناسیونالیستی از قبیل حزب دمکرات بر جنبش خلق کرد عمده‌تر شده و به همان میزان نیز ماسع از ارتقاء پتانسیل جنبش انقلابی و مانع

مزدوران موفق به پیشبرد سیاستهای  
ارتجاعی خود نشده اند.

## بانه

در منطقه بانه نیز مزدوران بطور  
وسیعی دست به سرپا زگیری اجباری  
زده اند. شهر بانه و جاده های فواصل  
این شهر و شهرهای دیگر توسط  
سرکوبگران رژیم تحت کنترل شدید  
قرار داشته، و همه روزه تعدادی از  
جوانان دستگیر شده و به مراکز نظامی  
رژیم روانه گشته اند. رژیم کبه برای  
پیشبرد سیاست ارتجاعی سرپا زگیری  
اجباری به کارگاهها و صنوف مختلف  
اخطار داده است از استخدام مشمولین  
خودداری کنید، طی ماه گذشته  
تعدادی از کارگران فعلی کوره پزخانه  
- ها را در فاصله بین شهر بانه و  
روستاهای اطراف آن دستگیر کرده اند.  
تعدادی از کارگران نیز به دلیل  
نداشتن کارت پایان خدمت، از  
کوره پزخانه ها اخراج شده اند.

- در بخش "بویین"، "آربابا"  
و "ایجیه" مزدوران "گروه ضربت"  
با محاصره روستاهای این بخش،  
تعدادی از اهالی روستاها را دستگیر  
نمودند.

مزدوران رژیم با بخش اطلاعیه های  
از مشمولین خواسته اند که تا مهلت  
تعیین شده خود را به مراکز نظامی  
رژیم معرفی نمایند.

- رژیم بمنظور تحت فشار قرار  
دادن زحمتکشان این منطقه، و به  
تمکین واداشتن آنها سهمیه کوپن  
تعدادی از روستاهای منطقه بانه را  
قطع کرده است. همچنین مزدوران رژیم  
با توسل به ارباب و تهدید جوانان  
منطقه درمدد گسترش سرپا زگیری اجباری  
از این منطقه است.

- اهالی زحمتکش و مبارز روستای  
"بویین سفلا" علیرغم فشار و سرکوب  
مزدوران رژیم، تن به سیاست بسیج  
جنگی رژیم نداده و از رفتن به سرپا ز  
امتناع کرده اند. مزدوران رژیم برای  
درهم شکستن اراده این زحمتکشان،



## تلاش گسترده رژیم برای سرپا زگیری اجباری و اعتراضات توده های علیه آن

"نعلان" "پلی سان"، "بانه جینه"،  
"وارگل" و بخش "گشورک" و "نلسی ن"  
وروستاهای "کوله سی پایین و بالا" شاهد  
بورش وحشیانه مزدوران رژیم برای  
دستگیری جوانان و سرپا زگیری اجباری  
بودند. طی این بورش تعداد زیادی  
از جوانان این منطقه دستگیر و روانه  
جبهه های جنگ شدند. بدنبال حملات  
اخیر رژیم، تعداد زیادی از اهالی از  
روستاهای خود فراری شده اند.

- اول اردیبهشت ماه مزدوران -  
رژیم اهالی روستاهای "مزن شای"  
"هوزنه" و "زه رده گانی" در بخش  
آلان را تهدید کرده اند که اگر فرزندان  
خود را به سرپا زی نفرستند، مزدوران  
برای دستگیری آنها به روستاهایشان  
حمله خواهند کرد. علیرغم فشار زیادی  
که از طریق جاشا و دیگر مزدوران  
رژیم بر اهالی این روستاها وارد  
می آید، اما تاکنون مقاومت مردم

## سردشت

بدنبال موج دستگیری جوانان  
شهر سردشت طی دو ماه گذشته، مزدوران  
رژیم ضمن ادامه سرپا زگیری اجباری  
اعلام کرده اند که هیچکس بدون کارت  
پایان خدمت حق خروج از شهر را ندارد.  
در بخشهای "آلان" و "سویسی" سردشت  
نیز سرپا زگیری همچنان ادامه دارد و  
تعدادی از اهالی این بخشها به سرپا ز  
اجباری واداشته شده اند. طی ماه گذشته  
مزدوران تعدادی از اهالی روستاها  
را دستگیر کرده اند اما نتوانسته اند  
آنها را به جبهه های جنگ و یا به محلیهای  
دیگری منتقل سازند.

- سرپا زگیری و دستگیری بیای دسته  
جمعی در سردشت همچنان ادامه دارد.  
۱۷ اردیبهشت شهر سردشت و  
روستاهای اطراف آن از جمله روستاهای

## اخبار جیش توده‌ای

گروههای ضربت به منطفه اعزام کرده و بر فشار و تضییقات خود علیه مردم افزوده‌اند. اما پس از یک ماه نتوانسته‌اند کسی را از این روستا به سربازی ببرند. مردم نیز در اعتراض به سیاستهای فشار و سرکوب مزدوران دسته‌جمعی به شهر بانه رفته و فریاد اعتراض خود را علیه رژیم سیاست‌بای ارتجاعی بسیج جنگی اثر سر داده‌اند. این حرکت اعتراضی در ارتقاء روحیه مبارزه جوانان و اعتراض مردم منطقه تا شهر زیادی داشته است.

مزدوران جاش رژیم در روستای "سپاه" روزهای دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم اردیبهشت ماه برای سربازی گیری اجباری از اهالی روستاهای "سبی سزم"، "زهروا و پایین" و "سی و بیج" در منطقه "بهدانان" بانه به این روستاها یورش بردند. اهالی زحمتکش این روستاها برای مقابله با مزدوران درهای خانه‌های خود را بسته و از ورود جاشها به منازل خود جلوگیری کردند. زنان مبارز این روستاها در مقابله با مزدوران نقش فعالی داشتند. جاشها مجبور به کمک گرفتن از مزدوران جاش پایگاه های اطراف شده و با نیروی کمکی آنها اقدام به تیراندازی کرده و ۸ تن از اهالی این روستاها؛ ۴ تن از روستای "زهروا" و ۴ تن دیگر از اهالی روستای "سی و بیج" را دستگیر کرده و همراه خود بردند.

## دیواندره

پانزده اردیبهشت ماه مزدوران رژیم برای سربازی گیری اجباری به روستای "قله روتله" در حومه شهر دیواندره میروند. مردم این روستا در برابر سربازی گیری اجباری فرزندان خود دسته‌جمعی اعتراض میکنند و مانع اجرای سیاست مزدوران میشوند یکی از

فرماندهان مزدور که در جهت تقویت بسیج جنگی رژیم برای مردم سخن میگفت با جواب مردم که گفتند ما حاضر به سربازی نیستیم روبرو شد. و بدین - شریب طرح مزدوران برای سربازی گیری از این روستا خنثی شد.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بدنبال شدید سربازی گیری اجباری رژیم در کردستان در شهر دیواندره و روستاهای اطراف این شهر به سربازی گیری اجباری وسیعی دست زده‌اند. اخیراً نیز جنازه تعداد زیادی از جوانانی که به اجبار عازم جبهه‌ها شده و قربانی اهداف ارتجاعی رژیم کشته‌اند به سردخانه شهر دیواندره منتقل شده است. همچنین تعداد کثیری از مجروحین جنگ ارتجاعی نیز به خانواده‌هایشان تحویل داده شده‌اند تا توسط خانواده‌ها و با خرج خود مداوا گردند.

## مهاباد

شب چهارم اردیبهشت ماه پاسداران و جاشهای رژیم که در پایگاه "حاجی حسن" منطقه "شامات" مهاباد مستقر هستند، روستای "تهلا" در منطقه "مهخال" را به محاصره خود درآوردند و به بانه سربازی گیری اجباری به نفتش و بازرسی از خانه‌ها پرداختند. مزدوران چند تن از اهالی را برای اعزام اجباری به جبهه‌ها دستگیر نمودند و والدین تعدادی از جوانان روستا را که به سربازی نرفته بودند نیز دستگیر کردند. اما مردم زحمتکش روستای "تهلا" مصمم و استوار در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم به اعتراض پرداختند و اعلام کردند که حاضر نیستند به خدمت رژیم درآمده و قربانی اهداف ارتجاعی آن گردند.

نیروهای سرکوبگر رژیم اخیراً در منطقه مهاباد به دستگیری دسته - جمعی جوانان پرداخته‌اند. چندی پیش تعدادی از مزدوران رژیم، مناطق "کشورک" ۱ و ۲ و ۳ مهاباد را مورد هجوم قرار دادند و خانه‌های مردم زحمتکش این مناطق را به اشغال خود درآوردند. آنها بزرگ اسلحه و اسلحه حمل و نقل مردم را در اختیار خود گرفته‌اند تا بدین وسیله ضمن هجوم

غافلگیرانه به روستاها، جوانان را دستگیر کرده و به جبهه‌ها اعزام دارند و از سویی دیگر از ترده پیشمرگان خلق کرد در منطقه جلوگیری به عمل آورند. تاکنون روستاهای "خلیفان"، "دول - پمو"، "قویتل"، "شاره زور"، "کلینان" "وزنتاش" و "کاشی سبو" مورد هجوم و اشغال مزدوران قرار گرفته و اهالی این روستاها تحت شدیدترین فشارها قرار دارند.

## سنندج

شهرهای سنندج، کامیاران و روستاهای اطراف آن مورد تاخت و تاز مزدوران برای پیشبرد بسیج جنگی رژیم قرار گرفته‌اند. کنترل و بازرسی جاده‌ها و خیابانها و تفتیش و خانه گردی شدت یافته است. کارگرانی که "برگه" پایان خدمت ندارند، از کار اخراج شده و بیکار میشوند و موج دستگیریها ادامه دارد.

## ربط

منطقه ربط نیز مورد تاخت و تاز مزدوران رژیم برای سربازی گیری اجباری قرار گرفته است. مزدوران - رژیم برای پیشبرد سیاست ارتجاعی خود در این منطقه اعلام کرده‌اند که هرکس میتواند اسلحه تحویل گرفته و در روستای خود بعنوان سرباز به خدمت ارگانهای سرکوب رژیم درآید. بدین وسیله مزدوران توانسته‌اند تعدادی از جوانان روستاهای "هندبان" و "هنراوی" را مسلح نمایند. برخی از این جوانان در پایگاههای منطقه تقسیم شده‌اند و برخی دیگر مجبور به خدمت در گروههای مزدور جاش کشته‌اند. ضمن تیرهای ارتش فد خلقی نیز در این منطقه اعلام کرده‌اند که این سربازی گیری از سوی سپاه پاسداران صورت گرفته و این افراد پس از پایان خدمت در سپاه به سربازی اعزام خواهند شد.

بسیست و دوم فروردین ماه فرمانده مزدور پایگاه "کوله" و عربی فرمانده مزدور سپاه پاسداران سردشت همراه



## اخبار جنبش قوده‌ای

تعدادی دیگر از مزدوران رژیم ، روستای "کوله" را مورد یورش قرار داده و آنرا به محاصره کامل خود درآوردند. سپس مزدوران به دستگیری جوانان پرداختند. اهالی مبارز این روستا در برابر یورش ارتجاعی مزدوران ، به مقابله انقلابی پرداخته و با اعتراض دسته جمعی و متحد خود مزدوران را به عقب نشینی واداشتند. مزدوران که مورد سنگ باران اهالی این روستا قرار گرفته بودند مجبور به آزادی افراد دستگیر شده گشتند.

## مریوان

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی اعضای شوراهای اسلامی بخش "شامیان" بخشی از دهات حومه مریوان را در روستای "تازه آباد" جمع کرده و وظیفه شناسایی و معرفی مبارزین روستاها ، سرزگیری و سیج اجباری و تامین هزینه های جنگی را به عهده این شوراها گذاشته اند. اعضای شوراهای اسلامی پس از بازگشت به روستاها ایشان مردم را جمع کرده و آنها را به تمکین در برابر سیج جنگی رژیم ترغیب کرده اند. در اغلب روستاها ، این مزدوران با خشم و انزجار مردم روبرو شده اند.

فرار سربازان از جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق و از مراکز نظامی رژیم همچنان ادامه دارد:

رابط :  
روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین ماه ، دو تن از سربازان پس از فرار از یادگان ویایکاهای نظامی رژیم خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی کرده اند.

چندتن از اهالی روستای "کروس" در اعتراض به سیاست تملیح اجباری رژیم خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی کرده اند.

سفر :

یک بسیجی روز دوم اردیبهشت همراه با یک تیمه کلاسیک و مقداری خشاب و فشنگ به پیشمرگان خلق کرد پیوست . سردشت :

هفتم اردیبهشت ماه سربازی که یک ماه پیش به سربازی رفته بود از پایگاه مزدوران رژیم فرار کرده و خود را به پیشمرگان معرفی نمود.

مریوان :

فرار سربازان و نیروهای سیج از جبهه های جنگ همچنان بطور مستمر ادامه دارد. ماه گذشته نیز در ناحیه مریوان تعداد زیادی از سربازان و بسیجیان علیرغم کنترل و بازرسی شدید مزدوران با حمایت مردم از جبهه ها فرار کردند.

بیرانشهر :

روز ۲۱ اردیبهشت سربازی در منطقه بیرانشهر خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی کرد .

بروند. عده ای از اهالی با تسلیم در برابر سیاست رژیم ، به سربازی رفتند. این مسئله باعث شد که میان مردم اختلاف و چندهستگی ایجاد شود . مزدوران نیز با استفاده از اختلافات میان مردم مجددا اعلام کردند کسانیکه به سربازی رفته اند باید ملحق شوند و بدین ترتیب اهالی روستای "دی بکر" را تحت فشار و اجبار ملحق ساختند.

## سفر

اول اردیبهشت نیروهای سرکوبگر رژیم ، روستای "کنده سوره" در بخش "کشورک" سفر را مورد هجوم و حشانه خود قرار داده و با اجبار و فشار زیاد از مردم خواستند که ملحق شوند. مردم زحمتکش این روستا در اعتراض به این حرکت مزدوران دسته جمعی روستا را ترک کردند . پس از ترک مردم ، کودکی که بر جای مانده بود ، در اثر شدت سرما درگذشت .

## سندج

مردم زحمتکش و مبارز روستای "باوه ریز" بخش "چمشار" سندج بار دیگر در برابر سیاست تملیح اجباری رژیم به مقابله انقلابی پرداختند و مانع اجرای این سیاست ارتجاعی در این روستا شدند. اوایل اردیبهشت مزدوران سرکوبگر ضمن ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از اهالی آنها را تحت فشار گذاشتند تا با برداشتن اسلحه رژیم به خدمت اهداف ارتجاعی آن درآیند. اما باز با مبارزه دسته جمعی مردم روبرو شده و این بار نیز در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود شکست خوردند.

روستای "باوه ریز" که در بخش شرقی شهر سندج واقع است طی چند سال متوالی همواره مورد هجوم مزدوران رژیم قرار گرفته است اما مردم مبارز این روستا همچنان با اراده ای مقاوم در برابر مزدوران ایستادگی کرده و سیاستهای ارتجاعی رژیم را نقش بر آب کرده اند.

## اعتراضات قوده‌ای علیه

## تملیح اجباری

## مهاباد

رژیم جمهوری اسلامی بدنبال تملیح و سر بازگیری اجباری از اهالی روستای "دی بکر" در بخش "منگوران" مهاباد در صدد تملیح اجباری اهالی روستاهای "قازی آباد" ، "برایمه" ، "قاریه" ، "تسلیم باغل" و "کوتر" بخش "منگوران" برآمده است .

اهالی روستای "دی بکر" از مدتها پیش تحت فشار مزدوران برای تملیح اجباری بودند ، بالاخره بعد از سرکوب و فشار زیاد ، در اوایل فروردین ماه ، تعدادی از اهالی این روستا ، بسزور سرنیزه و فریب ملحق شدند. سرکوبگران در این روستا اعلام کرده بودند که یا بادهمه ملحق شوند و یا به سربازی



## اخبار جنبش توده‌ای

— مزدوران رژیم اهالی روستای "حسین آباد" در میرجاده سنج — دیواندره را بمنظور تلیح اجباری مجدداً تحت فشار گذاشته‌اند. مزدوران می‌کوشند تا با تلیح اجباری اهالی، نگیبانی پایگاه رژیم را به عیب‌ده آنها بگذارند. اما اهالی زحمتکش این روستا تسلیم سیاست ارتجاعی رژیم نشده و از نگیبانی پایگاه سرباز زده‌اند. نیروهای رژیم در مقابل آنها را تهدید کردند که در صورت عدم تمکین به سیاستهای آنها از آوردن آذوقه و مایحتاج زندگی روستایان جلوگیری بعمل خواهند آورد که این تهدید مزدوران نیز شایسته نداشت و اهالی این روستا همچنان به تلیح اجباری رژیم تن نسپرده‌اند.

## پیرانشهر

نیروهای سرکوبگر رژیم در مناطق "سردنه"، "لاجان" و "پیریان" بقصد تلیح اجباری، مردم این مناطق را تحت فشار گذاشته‌اند. اما مردم زحمتکش این مناطق با مقاومت انقلابی خود تن به این سیاست ارتجاعی نداده‌اند. مزدوران از روحانیون خواستند که مردم را برای برداشتن اسلحه رژیم ترغیب نمایند. همچنین آنها برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود به کشاورزان گفته‌اند اگر مسلح نشوید، نشود آنها مسلح شده و آنها را تحت فشار قرار خواهند داد.

— رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تداوم سیاست بسیج جنگی خود، در پیرانشهر نیز به تلیح اجباری مردم پرداخته‌است. رژیم تمامی مدارس پیرانشهر را تعطیل اعلام کرده و معلمین مدارس را برای رفتن به جبهه‌های جنگ تحت فشار قرار داده‌است.

## بوکان

در تداوم سیاست ارتجاعی رژیم مبنی بر سربازگیری و تلیح اجباری، مردم منطقه بوکان نیز تحت فشار قرار گرفته‌اند. تاکنون رژیم اهالی دو روستا از منطقه بوکان را به اجبار مسلح کرده‌است.

## سردشت

تعدادی از اهالی روستای "گروس" نیز به اجبار مسلح شده‌اند. این عده بدنبال فشار و سرکوب رژیم و اعلام اینکه کسانی که خود را معرفی کنند در همان محل خود سربازی خواهند داد به اجبار مسلح شده‌اند و مزدوران رژیم برای آنها در روستا مقر دایر کرده‌اند.

## سرکوب و وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسونسازی رژیم در مناسبات

جنبش انقلابی خلق کرد است!

نفر دستگیر شده در اثر مبارزه متحد و دسته‌جمعی توده‌های زحمتکش این سه روستا آزاد میگردند.

— روز بیست و هشتم فروردین ماه پاسداران ارتجاع، مستقر در کوه "کپره" در منطقه ربط، فرد زحمتکشی از اهالی روستای "سی‌سر" را بجرم شکار دستگیر کرده و به جوخه اعدام سپرده‌اند.

## سردشت

روز بیست و هشتم فروردین ماه مزدوران مستقر در پایگاههای آلان سردشت، روستاهای "استه‌نه‌زه" و "ه‌رزنه" را مورد اصابت گلوله‌های شوب قرار دادند. در نتیجه این عمل وحشیانه، یک زن حامله در روستای "استه‌نه‌زه" و یک فرد زحمتکش در روستای "ه‌رزنه" به شهادت رسیدند و دوتن از اهالی نیز زخمی شدند.

— هیجدهم فروردین ماه اهالی روستای "شموله" در برابر سیاست سرکوبگرانه مزدوران رژیم با اعتراض

اعتراضی زنان روستا نقش بسزایی ایفا کرده و با دلآوری دوشادوش مردان بقصد آزادی دستگیرشدگان و در اعتراض به اعمال غیرانسانی مزدوران تا نزدیکی پایگاه میروند. پس از آنکه خبر اعتراض مردم روستای "چوالان" به اهالی روستای "ش‌خ‌ل" و "تاز سه‌له" میرسد آنها نیز به نشانه همبستگی با مردم روستای "چوالان" و در اعتراض به دستگیری چهار نفر مریم‌پور، همراه اهالی "چوالان" بسوی پایگاه مزدوران روانه شده و خواستار آزادی دستگیرشدگان میگردند. در اثر این حرکت اعتراضی دسته‌جمعی مزدوران رژیم به وحشت افتاده و فرمانده مزدور پایگاه اعلام میکند که "اشتباه کرده‌ایم" و چند

## ربط

— روز بیست و پنجم فروردین ماه مزدوران رژیم با یورش وحشیانه به روستای "چوالان" این روستا را به محاصره خود درآورده و به تفتیش و بازرسی خانه‌های مردم پرداختند. این مزدوران علاوه بر قرب و شتم اهالی و اعمال فشار بر آنها، چهار نفر از زحمتکشان این روستا را دستگیر کرده و همراه خود به پایگاه "ش‌خ‌ل" می‌برند. این اعمال وحشیانه مورد اعتراض دسته‌جمعی اهالی زحمتکش روستا قرار میگیرد. در این حرکت



## اخبار جنبش توده‌ای

— دسته‌جمعی خود آنها را وادار به عقب‌نشینی نمودند. در اثر شلیک تعدادی ایلحه یک سرباز، او مجروح شده و مزدوران با مستمک قرار دادن، این مسئله که بسوی سرباز مزبور از طرف اهالی شلیک شده است، کوشیدند از اهالی تعهد بگیرند تا دیگر کسی بسوی مزدوران شلیک نکند. آنها بدین وسیله میخواستند که امنیت جان مزدوران را تضمین نمایند. اما مردم زحمتکش این روستا بطور دسته‌جمعی و یکپارچه در اعتراض به این حیلعه مزدوران و فشار سرکوب آنها، جمع شده و تصمیم گرفتند که بمنسوان اعتراض به شهر سردشت بروند. مزدوران در برابر این حرکت دسته‌جمعی اهالی به وحشت افتاده و وعده دادند که فردا مسئله راحل خواهند کرد. روز نوزده فروردین نیز مزدوران کوشیدند که از اهالی تعهد بگیرند که دیگر بسوی مزدوران تیراندازی نخواهد شد. اما مردم زحمتکش این روستا با قاطعیت انقلابی در برابر خواست مزدوران ایستاده و آنها را به عقب‌نشاندند.

— هفتم اردیبهشت ماه نوجوان ۱۳ ساله‌ای اهل روستای "جانساران" هنگامیکه در یکی از تپه‌های اطراف روستا مشغول چرانیدن گوسفندان بود، بر اثر انفجار مینی که توسط مزدوران رژیم کار گذاشته شده بود، درگذشت.

— اخیراً مزدوران رژیم بار دیگر درمورد اجرای سیاست ارتجاعی کوچ اجباری در منطقه سردشت برآمده‌اند. چندی پیش سرکوبگران رژیم اهالی زحمتکش روستاهای "سوره‌چوم" و "قلعه‌ره" را تحت فشار گذاشتند که روستاهایشان را تخلیه کنند. زحمتکشان مبارز هر دو روستا در اعتراض به سیاست کوچ اجباری رژیم دسته‌جمعی به شهر سردشت رفته و با تجمع در برابر فرمانداری این شهر و مقر سپاه پاسداران اعتراض خود را نسبت به این سیاست ضد انسانی به نمایش گذاشتند. علیرغم تدارم اعتراضات اهالی این دو

روستا مزدوران رژیم نیز همچنان بر پیشبرد سیاست ارتجاعی تخلیه روستاهای "سوره‌چوم" و "قلعه‌ره" اصرار میورزند.

— شب بیستم اردیبهشت ماه تعدادی از جاشا به روستای "بناوی" در منطقه آلان سردشت رفته و خود را پیشمرگ معرفی کردند. اما سیاستهای ارتجاعی آنها در روستا علیه مردم زحمتکش فوراً ماهیت واقعی آنها را آشکار ساخت.

— روز بیست و یکم اردیبهشت ماه نیز مزدوران جاش در نزدیکی روستای "دیناران" دو تن از کاسبکاران اورامی را دستگیر کرده و پس از ضرب و شتم آنها، دارائی شان را به غارت میبرند.

## پیرانشهر

— اخیراً مزدوران رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سیلاب رفتن دامداران منطقه پیرانشهر آنها را زیر فشار گذاشته است. بیست و چهارم فروردین ماه چادر نشینان "دول‌تاو" خوارده" مورد حمله جاشهای کشیف قرار گرفتند. جاشها از چادر نشینان خواستند که با جمع کردن چادر و وسایل خود به روستاهایشان باز گردند، اما چادر نشینان ضمن اعتراض به این مسئله با مزدوران به مقابله برخاستند. جاشها بر شدت اعمال ارتجاعی خود افزودند و چوپانان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و چادر یکی از دامداران را نیز به آتش کشیدند.

— اوائل اردیبهشت ماه روستای "کرکش" در محور سردشت - پیرانشهر مورد یورش پاسداران ارتجاع قرار گرفت. مزدوران در حالیکه بی هدف اهالی و خانه‌های آنها را به گلوله بسته بودند، یک اشیار علوفه و یک دستگاه تراکتور اهالی زحمتکش این روستا را به آتش کشیدند.

— سوم اردیبهشت ماه، یک روز پس از درگیری پیشمرگان خلق کرد با مزدوران رژیم، در روستای "زیوه"، مزدوران روستاهای "زیوه"، "بادیناوه" و "سمنجه" را محاصره کرده

و آنها را به توپ و خمپاره بستند. طی این اعمال وحشیانه به اهالی روستاها آسیبی نرسید.

## بانه

— ماه گذشته جاشهای رژیم در منطقه بانه به غارت و چپاول خود از اموال مردم شدت بخشیدند. جاشهای کشیف با دستگیری چند تن از کاسبکاران فقیر مناطق مرزی، از آنان اخلاقی نموده‌اند.

— روز پانزده فروردین در اثر انفجار مینی که توسط مزدوران سرکوبگر رژیم در پشت روستای "دونس" در منطقه "سورکو" بانه، کار گذاشته شده بود، دختر جوانی جان خود را از دست داد. و یک تن دیگر از اهالی این روستا زخمی شد. مزدوران رژیم پس از ایجاد پایگاههای مختلف در ارتفاعات "سورکو" و در داخل روستاهای این نواحی مردم را تحت فشار سرکوب و خفقان بیشتری قرار داده و با گذاشتن مین و مواد منفجره در مسیر تردد مردم و در زمینها و مزارع آنها، جان اهالی این مناطق را با خطر روبه‌رو ساخته‌اند. در اثر این اعمال جنایتکارانه، تاکنون تعدادی از اهالی روستاهای این منطقه جان خود را از دست داده و با ناقص‌العضو شده‌اند.

## سقز

— یکی از نوجوانان روستای "گل تپه" هنگام چرای گوسفندان در اطراف روستا با انفجار مینی که توسط مزدوران کار گذاشته شده بود، زخمی میشود و هنگام انتقال به بیمارستان جان می سپارد.

مردم زحمتکش روستای "گل تپه" با شنیدن خبر انفجار مین و زخمی شدن نوجوان مزبور جمع شده و با دادن شعارهایی علیه رژیم مزدوران آن به تظاهرات می‌پردازند. تشییع جنازه این نوجوان نیز با شرکت همه اهالی روستا انجام گرفت. مزدوران مستقر در روستا در هراس از گسترش این تظاهرات



## اخبار جنبش توده‌ای

نشوونشانند کمترین حرکتی از خود بروز دهند اما چند روز بعد چند تن از اهالی رادستگیر کردند.

— رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود، خانواده‌های پیشمرگان خلق کرد را تحت فشار گذاشته است. اخیراً مزدوران رژیم خانواده‌های پیشمرگان در شهر سقز را تحت کنترل بیشتری درآورده و از مسافرت و رفت و آمد آنها به جاهای دیگر جلوگیری بعمل می‌آورند. مزدوران شبانه به خانه آنها یورش می‌برند و از خانواده‌های پیشمرگان خواسته‌اند که هر هفته خود را با اطلاعات سپاه پاسداران معرفی کرده و امضاء بدهند. علیرغم مقاومت و عدم تمکین برخی از خانواده‌ها در برابر این سیاست ارتجاعی برخی دیگر مجبور به اجرای آن شده‌اند.

## مهاباد

پس از درگیری پیشمرگان خلق کرد با مزدوران رژیم و ترک روستای "خاشون خاص" مزدوران این روستا را به محاصره خود درآورده و اهالی این روستا را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سه نفر از آنها رادستگیر و به پایگاه خود منتقل ساختند.

— روز دوازدهم اردیبهشت مزدوران سرکوبگر رژیم، ارتفاعات "میره‌ده" و "بیره‌جو" را به زیر آتش توپ و خمپاره و مسلسل کالیبر ۵۰ گرفتند. مزدوران پس از این عمل وحشیانه به روستاهای "میره‌ده" و "حاجی دره" یورش بردند و به تفتیش و بازرسی منازل زحمتکشان و سرکوب آنها پرداختند. مزدوران در روستای "حاجی دره" دو نفر از اهالی را نیز دستگیر کردند و پس از اجرای این اقدامات جنایتکارانه به پایگاه خود بازگشتند.

— شانزدهم اردیبهشت ماه اصفری فرمانده مزدور پایگاه "شاری کند" همراه مزدوران مستقر در پایگاه روستای "آغوشان" در منطقه "کشورک ۳" مهاباد ساعت ۶ با مداد روستای "آغوشان" را به محاصره در آوردند. مزدوران مردم رادرمسجد روستا گرد آورده و آنها را تحت فشار و توهین قرار دادند. آنگاه سرکوبگران به بازرسی منازل مردم پرداخته و قند و چای برای مردم را به بیانه اینک آنها برای پیشمرگان خود، قند و چای و خواربار ذخیره میکنند، به غارت بردند. مزدوران به این اعمال ارتجاعی اکتفا نکرده و ۵ تن از اهالی را نیز دستگیر کرده و همراه خود می‌برند. اهالی زحمتکش روستا و بخصوص زنان مبارز آن در اعتراض به این اعمال وحشیانه، به سوی پایگاه مزدوران رژیم در روستای "شاری کند" راهپیمایی میکنند و خواستار آزادی دستگیرشدگان میشوند. مزدوران در هراس از قدرت متحده زحمتکشان این روستا افراد دستگیر شده را آزاد میکنند.

## افشار

مزدوران رژیم در هراس از پیوند مستحکم زحمتکشان کردستان با پیشمرگان خود، مردم برجایات خود می‌افزایند: مزدوران رژیم شب ۱/۲۵ پس از اطلاع از حضور دو تن از پیشمرگان خلق کرد در روستای "داره‌توو" با کسپیل نیروی وسیعی به آن روستا محل سکونت این پیشمرگان را با آرپی‌جی و تانک — انداز زیر آتش گرفته و آنها را به شهادت رساندند. در اثر آتش‌باران دشمن خسارات مالی سنگینی به زحمتکشان روستا وارد آمد. همچنین مزدوران پس از انجام این اعمال وحشیانه یکی از اهالی این روستا را همراه با مادرش به جوخه اعدام سپردند.

## مریوان

مزدوران رژیم برای سرکوب کردن هرچه بیشتر زحمتکشان در بخش "کهلان‌رزان" به اهالی روستاهای "دانی‌کوش" و "رش‌نه‌ش" و "کسل"

اعلام کرده‌اند که درازای تحویل کوپن اوراق هر خانواده، ۵۰ تومان از آنها بمنوان هزینه جنگی گرفته خواهد شد. سرکوبگران، اهالی این روستا را با بر مناطق رانهدید کرده‌اند که در صورت عدم پرداخت هزینه جنگی سهمیه کوپن آنها قطع خواهد شد.

— اهالی مبارز روستای "چاوک" واقع در ۵ کیلومتری شهر مریوان با اعتراضات خود علیه حضور نظامی سرکوبگران در روستایشان آنها را وادار به برچیدن مقرشان که تنها ۱۱ روز از استقرار آن در این روستا میگذشت، کردند. پس از گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق در منطقه کردستان، رژیم جمهوری اسلامی نیروی زیاد را به منطقه مریوان کسپیل داشت. و نیروهای سرکوبگر فشار و سرکوب زیادی را بر مردم تحمیل کردند. در روستای "چاوک" نیز مزدوران پس از استقرار از مردم خواستند که نان آنها را تامین کنند. مردم زیر بار این خواست نرفته و در برابر آن اعتراض کردند. بدنبال آن میان یکی از جاشها و چند تن از اهالی درگیری روی میدهد که مردم، جاش مزبور را خلع سلاح کرده و او را کوشالی میدهند. مزدوران برای ایجاد رعب در میان مردم می‌کوشند که چند نفر رادستگیر نمایند ولی اهالی آنها را مخفی می‌نمایند. ۳ روز پس از آن جاشها شبانه خانه یکی از اهالی را محاصره کرده و ۳ تن از زحمتکشان روستا رادستگیر می‌سازند.

صبح روز بعد مزدوران رژیم در هراس از اعتراض مردم آنها را جمع کرده و برایشان سخنرانی میکنند، اما همانجا با اعتراض مردم روبرو میشوند. پس از آن اعتراضات مردم ادامه پیدا میکند و مزدوران رژیم با اعتراضات مداوم مردم به اشکال مختلف روبرو میگردند. به هنگام نگهبانی سنگباران میشوند، هنگام عبور از داخل روستا بر سرشان آب ریخته میشود. و بدینسان اعتراضات مداوم مردم مبارز "چاوک" باعث میشود مزدوران پس از ۱۱ روز مقرشان را در این روستا تخلیه کرده و روستا را ترک گویند. با پخش خبر اعتراضات مردم روستای "چاوک" و نتیجه این اعتراضات، مردم روستاهای دیگر این منطقه از قبیل روستاهای "کله" و

## ☆ اخبار جنبش توده‌ای

"سه‌می" نیزخواستار خروج مزدوران از روستاهایشان شده‌اند. همچنین اهالی ۱۲ روستای بخش "نامیان" نیز با مدور قطعنامه‌ای خواستار اخراج فرمانده مزدور پدپایگما شده‌اند.

### چند خبر از :

## جنگ ارتجاعی ایران و عراق

### مریوان

اهالی زحمتکش مریوان که در اثر بمباران متوالی این شهر ناچار از ترک خانه و گاشانه خود شده و بسط مناطق اطراف مریوان روی آورده‌اند همچنان آواره و در شرایط بسیار بد زمینی بسر میبرند. شهر مریوان نیز همچنان خالی از سکنه‌می باشد. اخیراً در نتیجه اعتراضات پراکنده آوارگان، دوش از مزدوران رژیم، فرماندار مریوان و نماینده مجلس شورای اسلامی به یکی از مراکز تجمع آوارگان در روستای "گانی بینار" رفته و فرماندار مزدور در میان آوارگان سخنرانی می‌کند. مردم آواره نسبت به بیکاری و وضعیت نامساعد زمینی خود اعتراض می‌کنند و خواستار تامین کار برای آوارگان می‌گردند. اما فرماندار مزدور در کمال وقاحت جواب می‌دهد: " دولت هیچ بودجه‌ای ندارد که شمارا تامین کند منتظر مانباشید. جنگ است و نما هم آواره شدید کی گفته از شهروین بپاید". بیش از ۳ سال است که اهالی مریوان در اثر جنگ ارتجاعی ایران و عراق آواره شده و در روستاهای "گانی بینار"، "قلاج"، "میندگل" و

"سروآباد" در بدترین شرایط معیشتی بسر میبرند. بیکاری و فقر و فلاکت در میان آوارگان مریوان بیداد می‌کند. طی روزهای شانزدهم و هفدهم اردیبهشت ماه نواحی مکنونی شهر مریوان مورد بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفت. طی این بمباران وحشیانه دههاتن از مردم زحمتکش این شهر قربانی اهداف ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی شده و قسمتیایی از شهر نیز ویران گردید. محله پست بنزین واقع در جنوب شهر مریوان، بیمارستان شهر، مسافرخانه شیرنگ، خیابان اورامی‌ها، اطراف رادیو تلویزیون و مناطق مکنونی اطراف پادگان مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. تعدادی از مزدوران رژیم در این حملات به هلاکت رسیدند.

### بانه

هفدهم اردیبهشت ماه شهر بانه مجدداً مورد بمباران وحشیانه هواپیماهای عراقی قرار گرفت. طی این بمباران ۳ تن از اهالی شهر کشته و ۱۷ تن دیگر مجروح شدند. تعدادی از مزدوران رژیم در این بمباران به هلاکت رسیدند.

### سردشت

روز هیجدهم اردیبهشت ماه روستای "کوره‌ش" مورد اصابت کلوله‌های توپخانه عراق قرار گرفت. در نتیجه این عمل وحشیانه خسارت مالی سنگینی به مردم زحمتکش این روستا وارد گردید. اهالی این روستا که طی یکسال گذشته تاکنون ۴ بار مورد حمله توپخانه عراق قرار گرفته مجبور به ترک خانه و گاشانه خود شده و در روستاهای اطراف آواره شده‌اند.



### چند خبر

## از شهرهای کردستان

اخبار کارگری :

بدنبال موج اخراج کارگران از کارخانه‌ها در سراسر ایران در کردستان نیز سرمایه‌داران دست به اخراجهای دسته‌جمعی کارگران زده‌اند.

سازمان آب‌سنندج :

در تاریخ ۲۸ اسفندماه ۶۴، ۱۶۰ نفر از کارگران سازمان آب‌سنندج اخراج شدند. این افراد که اکثراً کارگر بیمانی بودند به بهانه کمبود بودجه از حق طبیعی خود محروم گشته و اخراج شده‌اند.

اداره برق سنندج :

در آخرین روزهای سال گذشته ۷۰ نفر از کارکنان این اداره نیز اخراج شده‌اند.

رژیم‌فدگاری جمهوری اسلامی در ادامه سیاست اخراج کارگران، اینبار به بهانه بسیج جنگی کارگران راتحت فشار قرار داده که در صورت امتناع از رفتن به جبهه‌ها با حربه اخراج روبرو خواهند شد.

در همین رابطه کارفرمایان دولتی درمهاباد، کارمندان و کارگران راه و ترابری "اداره راه قدس" مهاباد را به منظور اعزام اجباری به جبهه جنگ ارتجاعی تحت فشار قرار دادند. اما مزدوران رژیم با مقاومت انقلابی کارکنان این اداره روبرو و ناچار شدند که آنها را جریمه با اخراج نمایند که تاکنون ۳۵ الی ۴۰ نفر از کارگران و کارکنان اداره راه که از پرداخت جریمه و رفتن به جبهه امتناع کرده‌اند، اخراج گردیده‌اند.

### سنندج

مردم مبارز سنندج نیز به بهانه بسیج جنگی رژیم تحت شدیدترین فشارها و کنترل پلیسی قرار گرفته‌اند. راه‌های ورودی و خروجی شهر، معابر عمومی، خیابانها، چهارراهها و پیاده‌روها شدت تحت کنترل و بازرسی مزدوران رژیم قرار گرفته‌است و از همه کسی





## اجبار جنبش توده‌ای

کارت پایان خدمت و یا معافیت سربازی خواسته میشود. استاندار مزدور رژیم در بیت وسوم فروردین اعلام کرده که کلیه کارمندان باید به جبهه‌ها بروند. در ادارات و مدارس پرشنا ماهی بخشی کرده‌اند تا بتوانند کنترل بیشتری بر مردم اعمال کرده و در خدمت بسیج اجباری از آن استفاده کنند.

اداره آموزش و پرورش اعلام کرده است که هر کدام از دانش‌آموزان که تجدید شوند باید به جبهه جنگ لیبی علیه آمریکا یا به جبهه جنگ ایران و عراق بروند. همزمان با این تضيقات مردم و اصناف مختلف برای تامین هزینه‌های جنگی رژیم نیز تحت فشار قرار دارند. کسبه، رانندگان و دکانداران تحت فشار قرار گرفته‌اند.

تا جواز کسب‌کار تهیه‌کنند که در صورت نداشتن برگ پایان خدمت از دادن جواز خودداری کرده و آنها را از کار بیکار میکنند تا به اجبار به جبهه‌های جنگ بروند. سندیکاها و اتحادیه‌های اصناف نیز وادار گشته‌اند که اصناف را برای پرداخت هزینه‌های جنگی و اعزام اجباری به جبهه‌ها تحت فشار قرار دهند.

علاوه بر تبلیغات روزمره رادیو تلویزیون از طریق بلندگو نیز بطور شبانه روزی مزدوران رژیم مردم را برای اعزام به جبهه‌ها فرا میخوانند. ما مردم مبارز سندج همچنان بسا وجهی اعتراضی در برابر اقدامات رتجایی رژیم ایستادگی کرده و سر

خبرد مبارزه انقلابی خود علیه رژیم جمهوری اسلامی پای می فشارند. روز چهارم فروردین یک نفر از اهالی شهر رحالسه پلاکاردی حاوی شعارهایی علیه رژیم را در دست گرفته بود. در

راهر چشم مزدوران رژیم از خیابان وحید بطرف میدان انقلاب سندج به اه میافتد که توسط گشت ثارالله تکثیر میشود و در همین حین در

میدان تجمع میکنند و اعتراض مردم دامنه وسیعتری بخود میکبرد. مزدوران شهربانی و ثارالله خود را به محل رسانده و مردم را به محاصره خود درآورده و شروع به تیراندازی هوایی میکنند. زحمتکشان معترض اسلامی میکنند که اجازه نخواهند داد مزدوران دستگیرشدگان را همراه خود ببرند و باید آنها را آزاد کنند. مزدوران برای متفرق کردن آنها مجددا دست به تیراندازی هوایی میزنند ولی مردم همچنان در برابر آنها ایستادگی میکنند تا بالاخره موفق میشوند که افراد دستگیر شده را از دست مزدوران آزاد سازند سپس در حالیکه شعار میدادند و مزدوران راهو میکردند، از محل پراکنده میشوند.

ساعت ۱۵ شب ۱۷ فروردین نیمی فردی که قبلا معلم بوده، در رستوران وسط میدان انقلاب با صدای بلند شروع به افشای رژیم سرور و خفقان مینماید. مردم به دور او جمع شده و همبستگی خود را با او به نمایش میگذارند. مزدوران رژیم میدان انقلاب سندج را به محاصره خود در میآورند. پاسداران پس از زد و خورد با معلم مزبور او را دستگیر کرده و برای انتقال وی به مراکز سرکوب خودناچار به تیراندازی هوایی میشوند.

بعد از ظهر روز ۱۹ فروردین حدود ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر از مردم شهر در اعتراض به دستگیری معلم فوق‌الذکر دست به تظاهرات میزنند. تظاهرات کنندگان از چهارراه چهارباغ و دختانیات به سوی میدان انقلاب حرکت میکنند و با دادن شعارهایی علیه رژیم جمهوری اسلامی خواستار آزادی معلم دستگیر شده میشوند. در مسیر راهپیمایی دست‌فروشان و کسبه از تظاهرات کنندگان پشتیبانی می‌کنند. این حرکت اعتراضی قیل از سر رسیدن مزدوران سرکوبگر رژیم به از طی مسیر یک خیابان به پایان میرسد.

## سنتز

نثار مزدوران رژیم برای پیشبرد بسیج جنگی رژیم بر مردم سقز افزایش یافته است. سربازگیری اجباری که از

ماهها پیش شروع شده. بشدت ادامه دارد. رژیم بخشی از کارمندان دولتی و بخصوص فرهنگیان را احضار کرده و از آنان خواسته که به جبهه‌های جنگ بروند. اما علیرغم کلیه فشارها و کشتار مزدوران رژیم بر شهر هنوز اکثر مشمولین به سربازی نرفته‌اند و فرار از سربازی همچنان ادامه دارد. تا همین هزینه‌های جنگی از دسترنج مردم نیز بوسیله باجگیری از مسافران در جاده‌ها، بالابردن قیمت اجناس، گرفتن پول از دانش‌آموزان ادامه دارد.

## پیرانشهر

سردمداران رژیم اخیرا کسبه پیرانشهر را تهدید کرده‌اند در صورتی که به جبهه نروند باید ماهیانه چهل هزار ریال به جبهه‌های جنگ کمکی نمایند. همچنین دانش‌آموزان نیز به اجبار مکلف گشته‌اند که روزانه ۲۰ ریال و یک گونی خالی جهت ارسال به جبهه‌ها به مزدوران بپردازند. مزدوران رژیم معا بر وجاده‌ها را ضدبهداشته کنترل خود درآورده و مسافران جوان را از وسایل نقلیه عمومی پیاده کرده و بکسر آنها را به جبهه‌های جنگ اعزام میکنند. تاکنون تعداد زیادی از جوانان نطقه و پیرانشهر به همین شیوه دستگیر شده و به جبهه‌های جنگ اعزام گشته‌اند.

## مهاباد

رژیم ارتجایی جمهوری اسلامی برای درهم‌شکستن اراده مردم مبارز مهاباد به بهانه جنگ، آنها را زیر فشار زیادی گذاشته است. کلیه ادارات و شوراهای اصناف و محلات موظف گشته‌اند تا مردم را وادار سازند با درجبهه‌های جنگ ارتجایی و یا با مسلح شدن به خدمت اهداف ارتجایی رژیم در آیند. دانش‌آموزان مدارس نیز از سوی مزدوران رژیم تحت فشار قرار گرفته‌اند تا در جبهه‌های جنگ قربانی مطامع فداشاهی رژیم گردند. مسودی فرماندار مزدور

پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش خلق کرد  
یا منجلا ب رفرمیستی راه کارگر؟

"سیمان مسئله ملی و پیوند طبقات مختلف" است خمکین شود و آنرا سکتارسم بخواند. سیاستی که همواره و در هر شرایطی از استقلال طبقاتی کارگران دفاع میکند و همواره مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی را با مبارزه در راه دمکراسی درهم می آمیزد اما به مبارزه برای دمکراسی بعنوان تابعی از مبارزه طبقاتی پرولتاریا برخورد می نماید.

مبارزه خلقها برای حق تعیین سرنوشت خویش نمیتواند منجر به فراموشی مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران یا کم بها دادن به آن و یا نفی استقلال طبقاتی کارگران و مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی بشود. کمونیستها تنها دفاع از اهداف و منافع پرولتاریا و سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی آن و ایجاد صف مستحکم پرولتری میتوانند جنبش خلقها برای حق تعیین سرنوشت خویش را در جهت پیروزمند آن رهبری کنند. مخدوش کردن خط و مرزهای طبقاتی و محدود کردن مبارزه خلق زحمتکش کرد به مسئله ملی ضرورتا تن دادن به همزبانی بورژوازی را نیز در بر دارد. این است نقاط افتراق دیدگاه ناسیونالیستی و رفرمیستی راه کارگر با دیدگاه پرولتاریا. راه کارگر با شعار همه با هم در اشتلافی از نیروهای وفادار به حل دمکراتیک مسئله ملی دنبال روی از بورژوازی را تبلیغ میکند و پرولتاریا صف مستقل و بلاتفرمی انقلابی برای درهم کوبیدن کلیت نظام اقتصادی و اجتماعی حاکم بمنابدها عمل هرگونه ستمگری را.

اجازه نمیدهد که از محدوده خواستهای رفرمیستی و اصلاحات جزئی قدمی فراتر بگذارد. بر اساس همین دیدگاه رفرمیستی است که راه کارگر به طرح ضرورت اشتلافی بی هویت حول حل دمکراتیک مسئله ملی من پردازد. راه کارگر با توضیح در مورد موانعی که بر سر راه اشتلاف مورد نظرش وجود دارد، بار دیگر بر انحرافات خود صحنه میگذارد. راه کارگر میگوید یکی از موانعی که بر سر راه چنین اشتلافی وجود دارد درکی انحرافی و سکتاریستی است که "تقدم مسئله ملی در جنبش خلق کرد را درک نکرده و در نتیجه به الزامات عملی آن تن نمیدهد و تحت عنوان تقدم سوسیالیسم و حل مسائل اجتماعی کردستان در برابر هرگونه اشتلاف و نزدیکی نیروهای سیاسی اشکال تراشی میکند" (ریگای گریکا شماره ۳۲، ص ۱۵)

این است دفاع آشکار از موضوع منافع بورژوازی در جنبش خلق کرد! آنچه که از نظر راه کارگر سکتارسم و انحراف خوانده میشود، همانا تاکید بر برنامه و تاکتیک پرولتاریا در برخورد به مسائل دمکراتیک که مسئله ملی نیز جزئی از آن است می باشد. سکتاریسمی که از نظر راه کارگر "تحت عنوان تقدم سوسیالیسم و حل مسائل اجتماعی کردستان"، تقدم مسئله ملی در جنبش خلق کرد را درک نکرده "در برابر اشتلاف" طبقات مختلف خلق کرد که سیمان مسئله ملی به هم پیوند خورده اند "سگ اندازی میکند. راه کارگر با این دیدگاه عموم خلقی باید هم علیه سیاست مستقل پرولتری که خواستار درهم شکستن

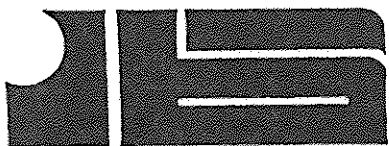
رژیم جمهوری اسلامی  
همچنان در بن بست جنگ

در نماز جمعه نوزدهم اردیبهشت ماه، نفرت و انزجار زحمتکشان از جنگ ارتجاعی را بدین شکل فرموله میکنند: "مردم مسلمان میهنمان... علاوه بر اشتیاق آنها برای مشارکت هر چه بیشتر در مسائل جنگ... مصمم هستند که هر چه زودتر جنگ را با پیروزی نهایی به پایان برسانند".

تابش استاندار مزدور کردستان نیز در محابه مورخ بیست و یکم اردیبهشت خود با رادیو ارتجاع ضمن آنکه به تبلیغات جنگی رژیم دامن زد و از مردم خواست که به سیاستهای ارتجاعی رژیم سرتسلیم فرود آورند، لیل جو اعتراضی حاکم بر کردستان چار از اعتراف به وضعیت فلاتکبار ندگی مردم شد و وقیحانه اعلام کرد که نوز حقوق عقب افتاده کارکنان بعضی ادارات را نیز پرداخته اند.

رژیم ستمگر جمهوری اسلامی که از بدو قدرت گیری بجز سرکوب، ترور و خفقان، فقر و فلاکت، بیکاری، گرانگی، تورم، زندان و شکنجه و اعدام، جنگ و کشتار و ویرانی برای توده های مردم سراسر ایران ارمغانی نداشته است، برای بقاء سنگین خود همچنان بر طبل جنگ ارتجاعی خواهد کوبید.

جنگ ارتجاعی اذهان میلیونها تن از مردم را روشن کرده و اعتراضی آنها را علیه رژیم برانگیخته است. در چنین شرایطی باید به تشدید مبارزه انقلابی علیه جنگ که همانا تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی است، پرداخت. باید برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تدارک دید. کارگران و زحمتکشان سراسر ایران برای خاتمه بخشیدن به جنگ ارتجاعی دست یابی به ملحق دمکراتیک هیچ راهی به جز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیش روی خود ندارند. باید با قیام مسلحانه توده های رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون ساخت و با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به ملحق دمکراتیک دست یافت.



ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بخوانید

## چند خبر از شهرهای کردستان

مهاباد طی ابلاغیه‌ای از کلیه شوراهای اصناف و محلات مهاباد بخصوص محله‌های باغ شایگان "گشتر" و "تبه قاضی" خواسته است که مردم رابه تبلیغ اجباری و با سربازی اجباری وادارند.

در پی بی اعتنائی مردم مبارز مهاباد نسبت به سیاست بیخ جنگسی رژیم، دستگاههای تبلیغاتی بمیسوری اسلامی روز اول اردیبهشت با سرام- انداختن نمایش سخره‌ای کوشیدند تا چنین وانمود سازند که مردم مهاباد نیز عازم جبهه‌هاستند. سردمداران رژیم در این روز حدود دوهزارتن از مزدوران خود و با سربازان اجباری را تحت لوای "کاروان راهیان کریسلا" از ارومیه به مهاباد فرستادند. سپاه پاسداران ارتجاع قبلا از مردم مهاباد خواسته بود که برای استقبال از این کاروان در دروازه شهر تجمع نمایند. اما مردم مبارز مهاباد همچون همیشه از تن سیردن به این سیاست ارتجاعی سرباز زدند و مزدوران مجبور

شدند که عده‌ای از کارمندان و دانش - آموزان رابزور سرنیزه در دروازه شهر جمع کنند. سپس با گرداندن این کاروان جهل و اجبار و مرکوب در خیابانهای مهاباد، رادیسو تهران با وقاحت اعلام کرد که دوهزار نفر مزبور، اعزامی از مهاباد هستند که برود استقبال شدید اهالی قرار گرفته‌اند!

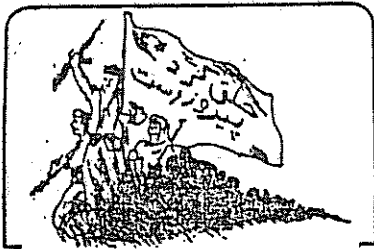
## بوکان

مردوران رژیم در شهر بوکان نیز به دستگیری دسته جمعی جوانان برای سربازگیری اجباری دست زده‌اند. تمامی مزدوران رژیم از جمله ژاندارمری و شهرستانی، شهر رابه کنترل خود در آورده و هر کس را که برگ پایان خدمت همراه نداشته باشد، بلافاصله دستگیر میکنند. مزدوران رژیم با لباس شخصی به خانه‌های مردم رفته و فرزندان آنها را دستگیر می نمایند.

## برگزاری جشن اول ماه مه

وبه آشکارا به اعتراض علیه نظام حاکم برخاستند و برخی نیز تحت شرایط - خفگان آمیز سرمایه ناچار از برگزاری مراسم مخفیانه شدند.

کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به نشانه همبستگی و وحدت مبارزاتی طبقه کارگر ایران با همه استعمارشدگان و استعمیدگان سراسر جهان در این روز، در یکی از روستاهای کردستان مراسم جشنی برگزار کرد. این مراسم با استقبال پر شور عده‌ای از پیشمرگان انقلابی خلق کرد و اهالی زحمتکش این روستا روبرو شد.



## غنائم بدست آمده

۴۵	جنگ افزار انفرادی
۵۲	انواع نارنجک
—	بی سیم
۷۹۹۰	انواع فشنگ
۸۲	خشاب
۱	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
—	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۲	بیوستن فریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

## تلفات دشمن

۱۵۲	کشته و زخمی
۲۰	اسرای دشمن
۶	خودروی منهدم یا معادله شده
—	سلاحهای منهدم شده
—	مهمات منهدم شده

جدول يك ماهه  
عملیات پیشمرگان  
خلقی کرد

۲۷ فروردین تا ۲۷ اردیبهشت

## عملیات پیشمرگه

۱	کمین و کنترل جاده
۸	مین گذاری
۲۲	مقابله در مقابل پورش رژیم
۲	حمله به مراکز رژیم در شهرها
—	خلع سلاح پایگاه
—	معدله و انهدام تاسیسات
۱۴	حمله به پایگاهها
۲۷	جمع

۱۰	نهدای پیشمرگه
۱۲	اهالی بی دفاع

سهرگه و تویی پرونده وهی شورشیگيرانه ی گه لی کورد

## برخی ملاحظات

### درافتای

### مناظران چهره بورژوازی

حزب دمکرات که در برنامه سیاسی اش از ضرورت "آزادی"، "دمکراسی"، "خودمختاری" و "سویالیزم کم نگفته" است، و جنبه‌هایی از شلیفات حزب نیز بدین مفاهیم اختصاص یافته است، اما همانطور که تاکنون در عرصه جنبش انقلابی خلق کرد با شلیفات رسانیده است، حزب دمکرات هرگز بدفاع از محتوای واقعی آنها برخاسته و در عمل بدانها پایبند نبوده است و حتی در موارد مهمی، "دمکراسی"، "آزادی" و... را نیز به سفره گرفته و به بازی با شعارها پرداخته است.

در صفحه ۷

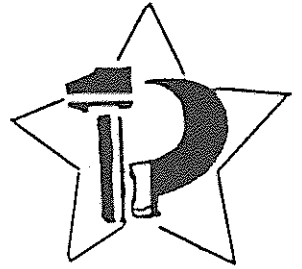
گرامی باد یکصد و شصت و هشتمین سالروز تولد

## کارل مارکس

و یکصد و شانزدهمین سالروز تولد

## لنین

آموزگاران و رهبران کبیر پرولتاریای جهان



## اخباری از جنبش شوده‌ای

در صفحه ۱۸

## خلق کرد پیروز است

جدول يك ماهه  
علیات پشمرگان  
خلق کرد

در صفحه ۲۷

### آغاز کار مجدد صدای فدائی

صدای فدائی، بانک رسای کارگران و فریاد پرغروش زحمتکشان که با توطئه ۴ بهمن، مزدوران بورژوازی و دشمنان طغنه کارگر مدنی خاموش ندیدود، با تلاش بیکیفر رفقای سازمان مجدداً آغاز نگر کرده است. فعالیت مجدد صدای فدائی را به اطلاع کارگران و زحمتکشان کردستان می‌رسانیم.

## برگزاری جشن اول ماه مه

امسال نیز روز اول ماه می، به اشکال مختلف توسط کارگران سراسر جهان ارج گذاشته شد. کارگران ازین رسته در کشورهای سویالیستی با بزرگداشت این روز تاریخی همبستگی خود را با رفقای پای در زنجیران، در جهت نابودی سرمایه و امپریالیزم به ظهور رسانیدند. در کشورهای سرمایه‌داری نیز با توجه به شرایط موجود کارگران سراسر با شوق تولد

در صفحه ۲۷

### رادیو

## صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۶ متر

ساعت ۸/۵ بعد از ظهر

